

کلثوم ننه

بیژن اسدی پور



از
بیژن اسدی پور

منتشر می شود

طنز خانگی

(طرح و نوشته های طنز آمیز)



آشارات مروارید

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۳۹۷/۱۷/۲۸۲۵

کلثوم ننه بیژن اسدی پور



آقا جمال خوانساری
کلثوم ننه
با طرح های بیژن اسدی پور



انتشارات فرارید

کلثوم ننه
آقا جمال خوانساری
با طرح های بیژن اسدی پور

روی جلد و مونتاز از حسن ماهراننقش
چاپ اول تابستان ۲۵۳۵ در چاپخانه کتیبه
ناشرانتشارات مروارید روپروی دانشگاه تهران
حق چاپ محفوظ است.



ضمیمه برادران ایمانی پوشیده نمایند که این مختصری است در بیان اقوال و افعال و واجبات و من
 و محرمات و مکروهات و مبایعات ایشان و این مثل است بر مقدمه و شانزده باب و غایب
 بقایه النساء اما مقدمه در اسامی علماء و فضلاء و فقهاء و فضیلت آنها به آنکه افضل علمای زمان
 بی بی شاه زینب دوم کلثوم زنده سوم خاتون باقی یا سمن پنجم و ده بزم آرا پنجم
 پنجم از اقوال آنهاست باید نهایت و ثوق دارد و محل اعتماد است و بغیر از این همه
 بسیار نیز هستند که ذکر آنها موجب طول کلام میشود بداند که هر زنی که سنی در شش باشد و بر
 ت او در یافته باشد و بگردد با افعال او و ثوق تمام دارند هر زنی که خلاف مضمود ایشان
 کنکار باشد باب اول در بیان عمل و صوم و پنجم باب دوم در بیان نماز باب سوم
 روزه باب چهارم در بیان نکاح باب پنجم و ششم در بیان زانیان و اعمال آن
 در بیان عمام رفتن باب هفتم در بیان زانیان و افعال آن باب نهم در بیان فعلها و اوقاف
 باب دهم در بیان معاشرت با زمان باب یازدهم در بیان مطبوعاتی که بنده
 باب دوازدهم در بیان توبید بجهت پنجم زخم باب سیزدهم در بیان محرم و نامحرم باب
 چهارم در بیان اسباب دعا باب پانزدهم در بیان مهمان بگانه آن باب شانزدهم

تذکر و تشکر

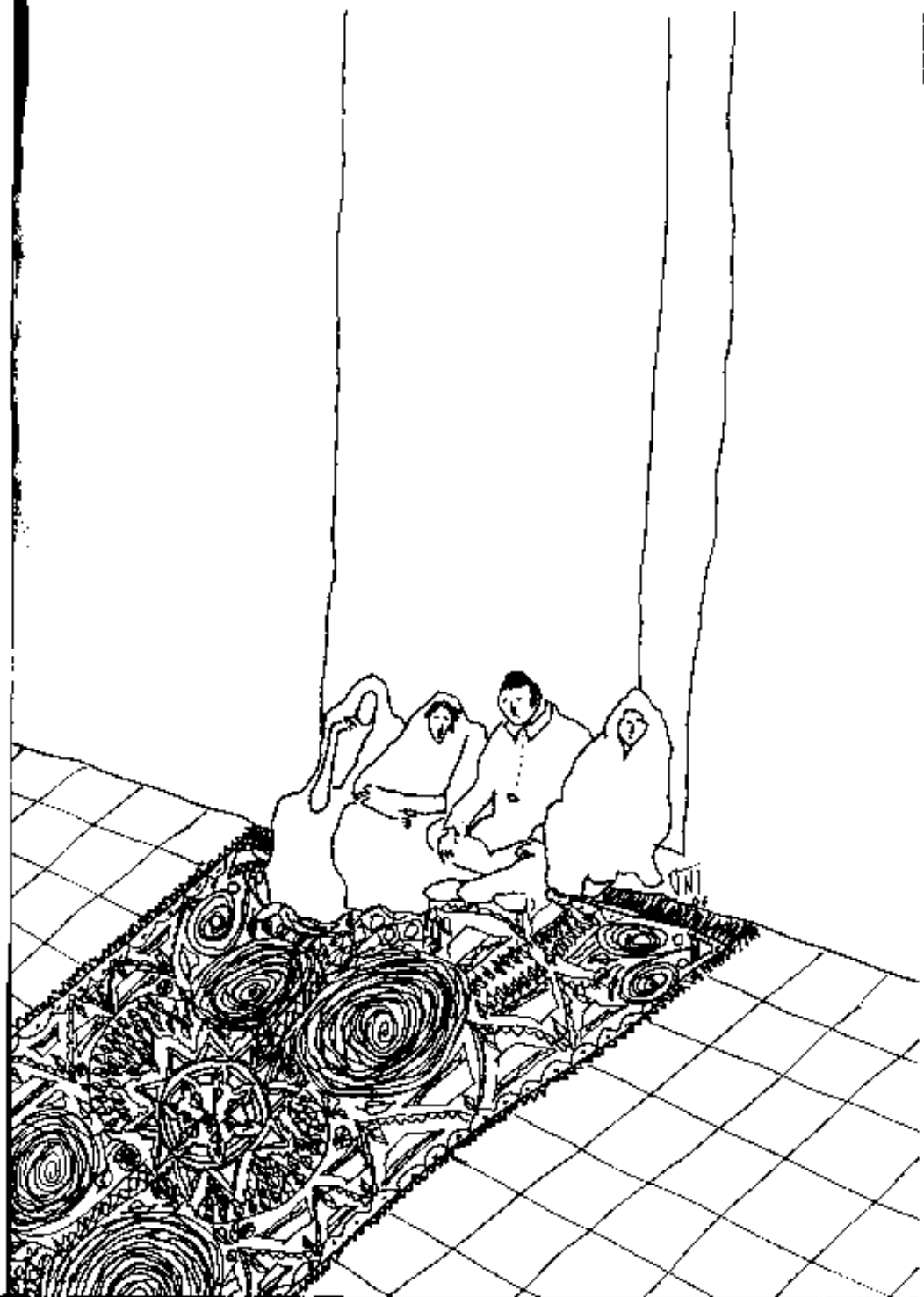
از میان متون موجود «کلثوم نه» به نظرم متن تصحیح
 شده محمود کتیرالی قابل اعتمادتر آمد. این را نوشتم که
 عرض کنم در تهیه متن حاضر هر جای اشکالی بود از متن
 ایشان مدد گرفتیم.
 و همه را برای این نوشتم که بگویم از محمد روشن که
 امکان استفاده از متن فوق را دادند سپاسگزارم.
 همینطور از اردشیر محمص که طرح های کتاب را
 انتخاب کردند.



برای پدر و مادرم

نگاه صادق هدایت به کثوم ننه

تنها کتابی که می‌شود گفت راجع به آداب و رسوم عوام نوشته شده همان کتاب معروف کثوم ننه تألیف آقا جمال خوانساری است که به زبان‌های خارجه هم ترجمه شده و فارسی آن در دسترس همه می‌باشد. اگرچه بعضی از مطالب آن اغراق آمیز به نظر می‌آید زیرا نباید فراموش کرد که بیشتر این عادات و خرافات امروزه منسوخ شده و ازین رفته‌است و چیزی که قابل توجه است حتی بیرون‌ها هم آنرا با نظر تمسخر تلقی می‌کنند. خرافات هم مانند همه گونه عقاید و انکار زندگی بخصوص دارد.





گاهی بوجود می آید و جانشین خرافات دیگر می شود و زمانی هم ازین می رود. ترقی علوم، افکار و زمان به این کار خیلی کمک می نماید. بسا اتفاق می افتد که یک دسته از آن ها را ازین می برد در صورتی که یک دسته دیگر خیلی سخت تر جای آن ها می آورد. البته اگر آن ها را به حال خود بگذارند جنبه الوهیت خود را تا دیر زمانی نگه میدارند چون مردم عوام آن ها را مانند مکاشفات و وحی الهی دانسته به یکدیگر انتقال می دهند...

امروزه در همه ممالک متدین دسته ای از دانشمندان خرافات همه ملل دنیا را از ممالک متدین گرفته تا قبایل وحشی آفریقا و استرالیا جمع آوری کرده اند و تشکیل صدها کتاب را می دهد چنان که پس از مقایسه و تطبیق آن ها بایکدیگر



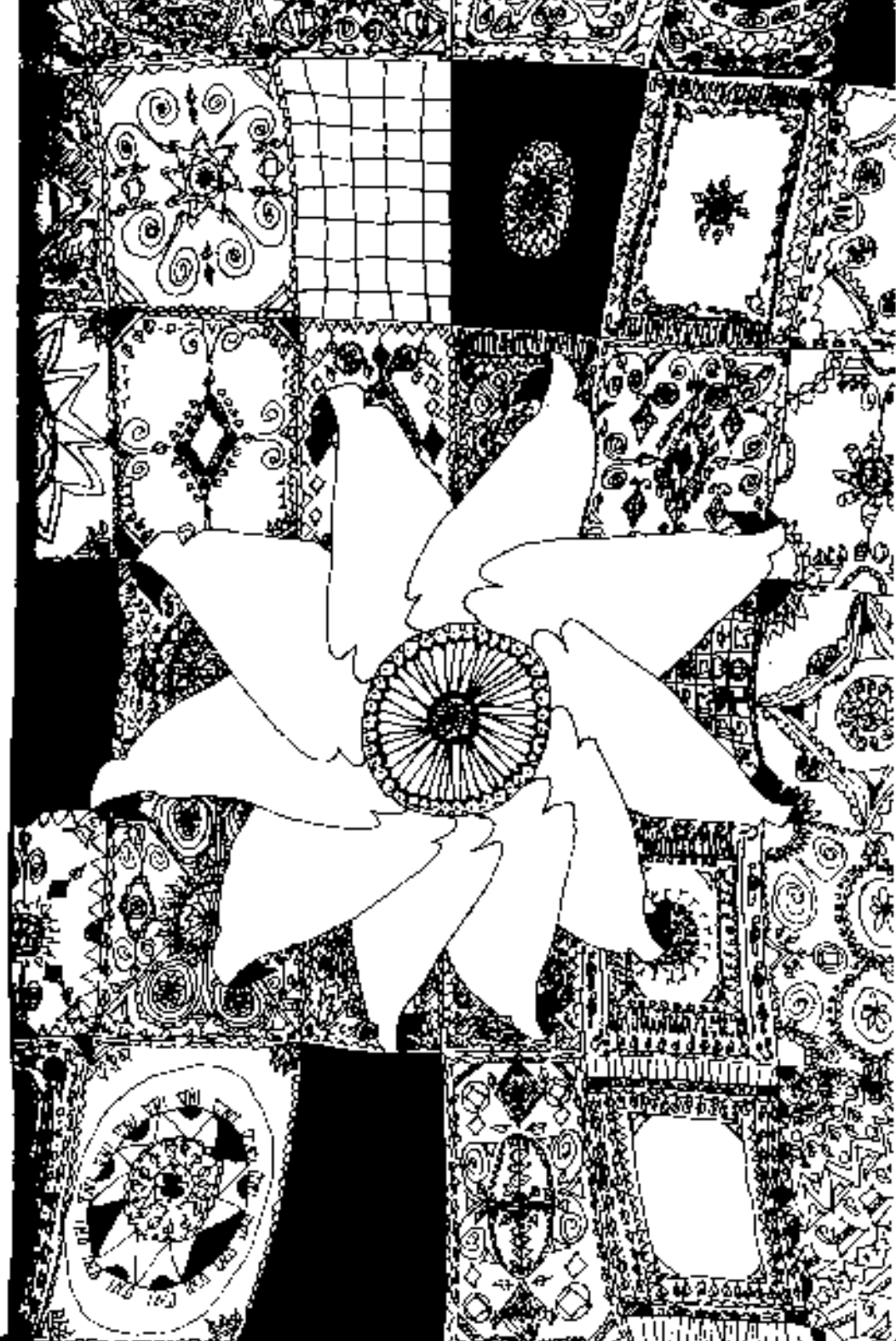
يك رشته علم تازه بوجود آمده كه دانش عوام يا «فلكلره» مي نامند كه در اغلب علوم مخصوصاً روانشناسي و تجزيه روح و تاريخ تمدن و تاريخ مذاهب وغيره خيلي طرف توجه علماء مي باشد ولي جاي تعجب است كه تاكنون آداب، رسوم و اعتقادات عوام ايران جداگانه جمع آوري نشده بوده استثنای مختصري در كلثوم ننه و آنچه در كتابها ديده مي شود عبارت از بعضي خرافات است كه مسافران اروپائي دروغ يا راست در كتابهاي خودشان ضبط کرده اند.
به نقل از كتاب نيرنگستان

مراسمی که وحی شیطان است

کثوم نه کتابی است به فارسی در هزل و موضوع آن مقابله اختلافات لغت‌هاست و از جمله از رسوم و آداب اوپاش و زنان بحث می‌کند. مؤلف فرض کرده است که این مراسم و آداب وحی شیطان است. بعید نیست این کتاب هزل، که تالیف آن را به آقا حسین خوانساری نسبت می‌دهند، از لطایف طبع پسرش آقا جمال الدین باشد. آقا حسین از دانشمندان علوم دینی و ادبی بود و از جمله شاگردانش میرداماد است.

به نقل از فرهنگ معین جلد ۶

کثوم نه ۱۹



هَذَا كِتَابُ عَقَائِدِ النِّسَاءِ
مِنْ تَالِيفَاتِ آفَاجِمَالِ خَوَانِسَارِي رَحِمَهُ اللهُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

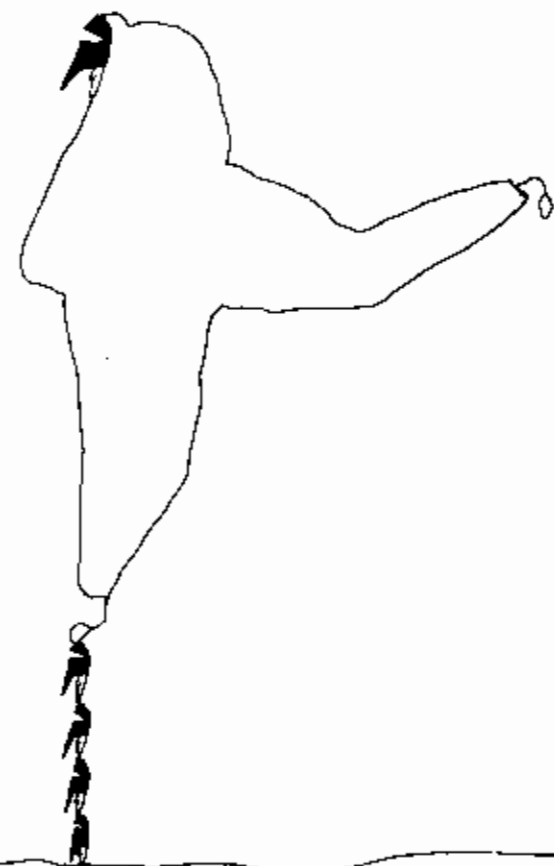
برآینه ضمیر برادران ایمانی پوشیده نماند که این مختصری
است در بیان اقوال و افعال و واجبات و مندوبات* زنان و
محرمات** و مکروهات*** و مباحات**** ایشان، و این مشتمل
است بر مقدمه و شانزده باب و خاتمه و مسمی به عقاید النساء.
اما مقدمه و اسامی علماء و فضلاء و فقها و فضیلت آنها - بدانکه

* مستحبات .

** چیزهای حرام .

*** جمع مکروه ؛ و آن مقابل مستحب است . اگر انجام دادن امور
مستحب راجح است، ترک امور مکروه راجح است .

**** جمع مباح ؛ امری که فعل و ترک آن متمایز باشد .



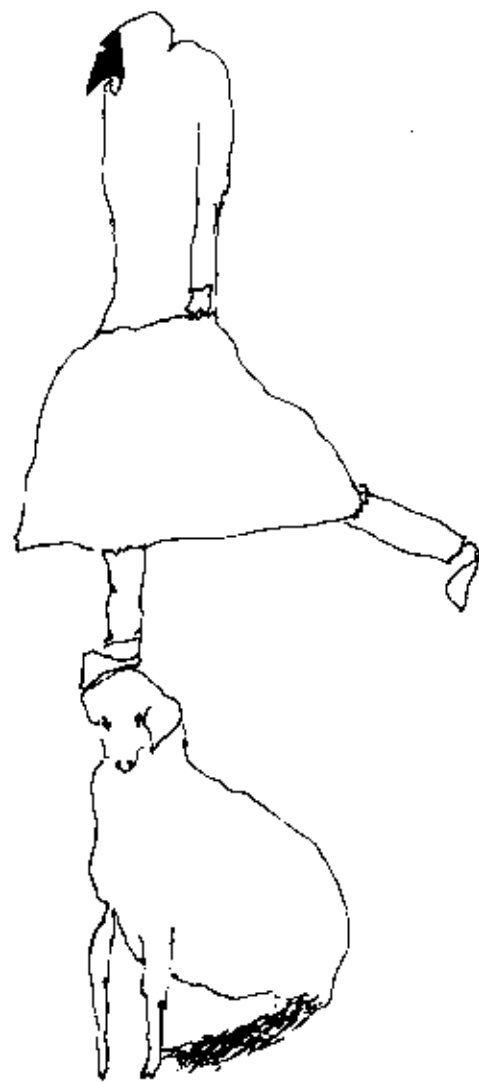
افضل علمای زنان پنج نفرند: اول بی بی شاه زینب، دوم کلثوم ننه، سوم خاتمه جان آقا، چهارم حاجی یاسمن، پنجم دده بزم آرا. و آنچه از اقوال آنها بدست بیاید، نهایت وثوق دارد و محل اعتماد است؛ و بغیر از این پنج نفر علمای بسیاری نیز هستند که ذکر آنها موجب طول کلام میشود. بدانکه هر زنی که سنی داشته باشد و پیری و خرافات او را دریافته باشد، دیگران به افعال او و ثنوق تمام دارند و هر زنی که خلاف فرموده ایشان کند آثم و گناهکار باشد.

باب اول در بیان غسل و وضو و تیمم - باب دوم در بیان نماز - باب سوم در بیان روزه - باب چهارم در بیان نکاح - باب پنجم در بیان احکام شب زفاف - باب ششم در بیان احکام و اعمال زاپیدن زنان و



ادعیه وارده درباره زائو - باب هفتم در بیان حمام رفتن - باب
 هشتم در بیان سازها و افعال آنها - باب نهم در بیان معاشرت
 زنان باشوهران خود - باب دهم در بیان مطبوخاتی که به نذر واجب
 می شود - باب یازدهم در بیان تعویذ* به جهت چشم زخم - باب
 دوازدهم در بیان محرم و نامحرم - باب سیزدهم در بیان استجاب
 دعا - باب چهاردهم در بیان آمدن مهمان - باب پانزدهم در بیان
 صیغه خواهرخواندگی - باب شانزدهم در بیان چیزهایی که بعد از
 خواهرخواندگی برای یکدیگر می فرستند - خاتمه در بیان ادعیه و
 اذکار متفرقه و آداب کثیر المنفعه .

* دعایی که نوشته به گردن یا بازو بندند تا دفع چشم زخم و بلا کند.



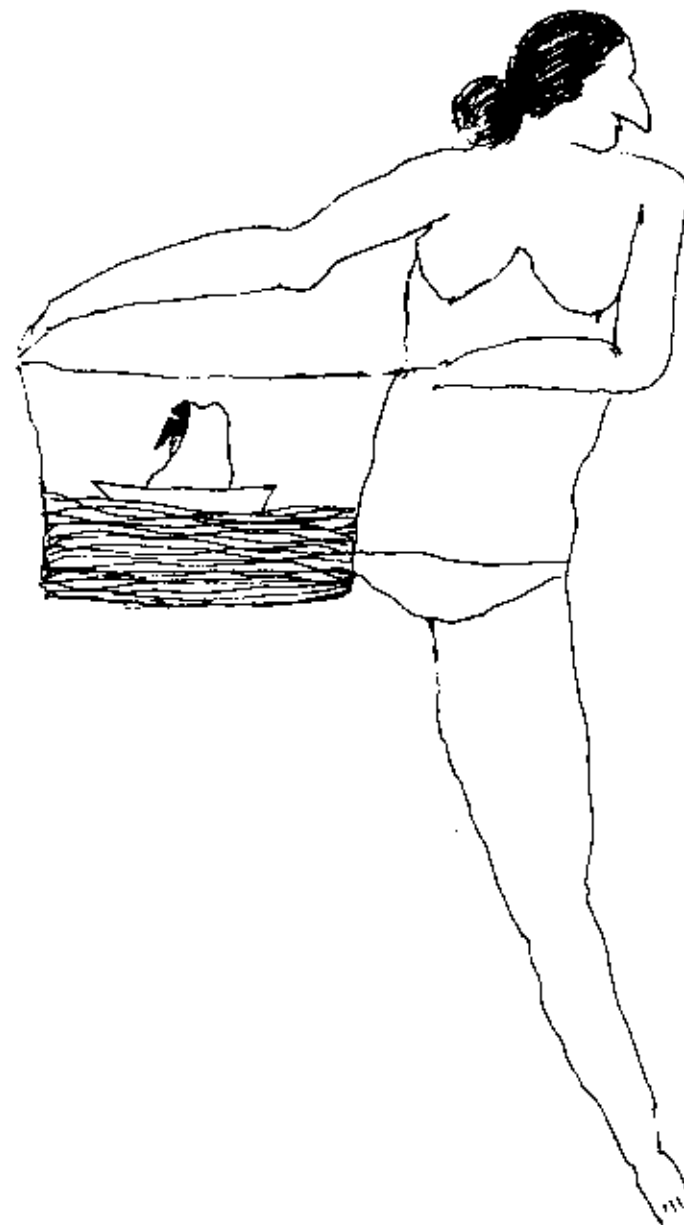
باب اول

در بیان وضو و غسل و تیمم

بدان که اجماع فتوای زنان است که وضو و غسل واجب است مگر در چند موضع : وقتی که دست راحنا و نگار* بسته باشند یا ابرو گذاشته باشند یا زرك** بر ابرو چسبانیده باشند؛ در این صورت ترك وضو و غسل واجب می شود و اکثر علماء مذکور نگار را تا سه روز مساقط می دانند و می گویند بی بی شاه زینب تا پنج روز

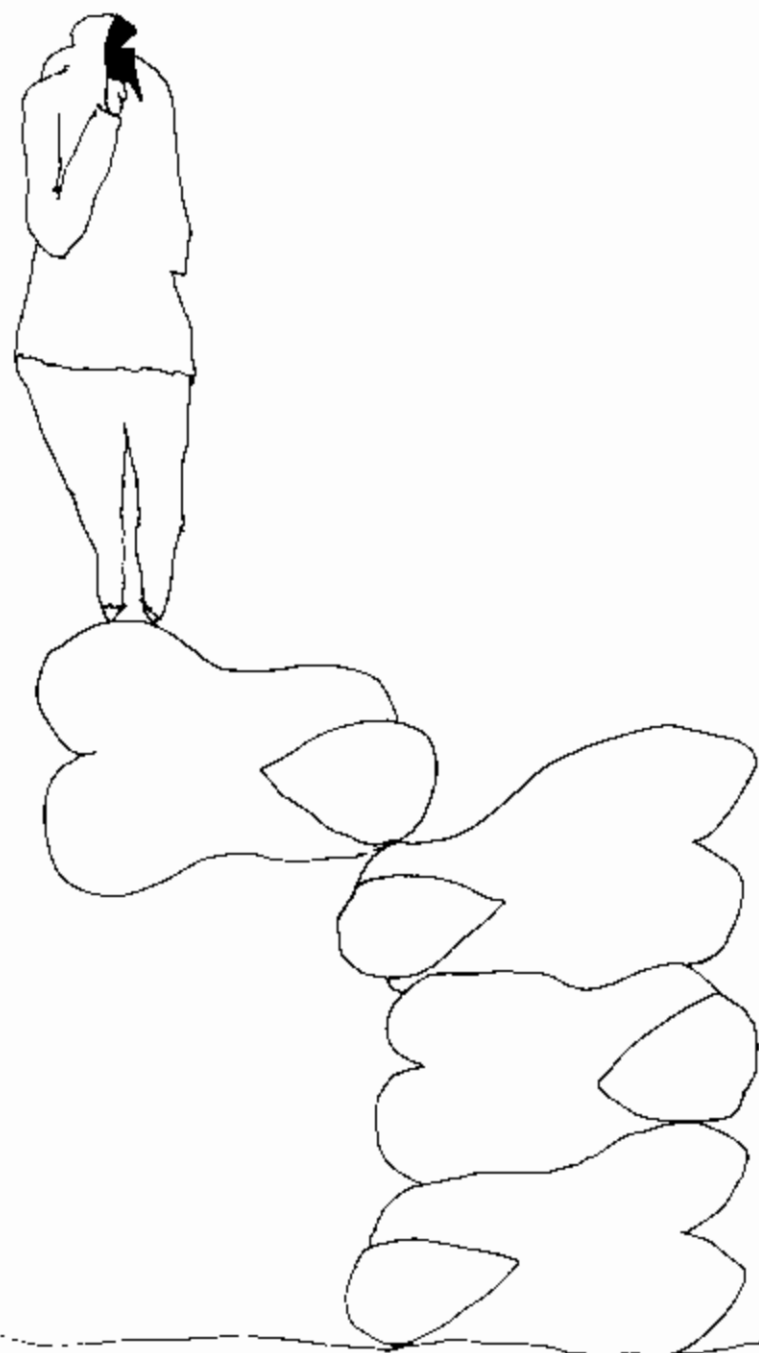
* نقشی که از سنا بر دست و پای محبوب کنند .
** یکی از هفت آرایه زنان قدیم. میرزا صادق خان امیری فراهانی (ادیب السائلک) هر هفت را در این دو بیت گرد آورده است :
هفت پیرایه شد به روی بتان که از آن باغ حسن سیراب است
وسه و سمره و نگار و خبک زرك و غازه و سفید آب است .

کلتوم نه ۲۷

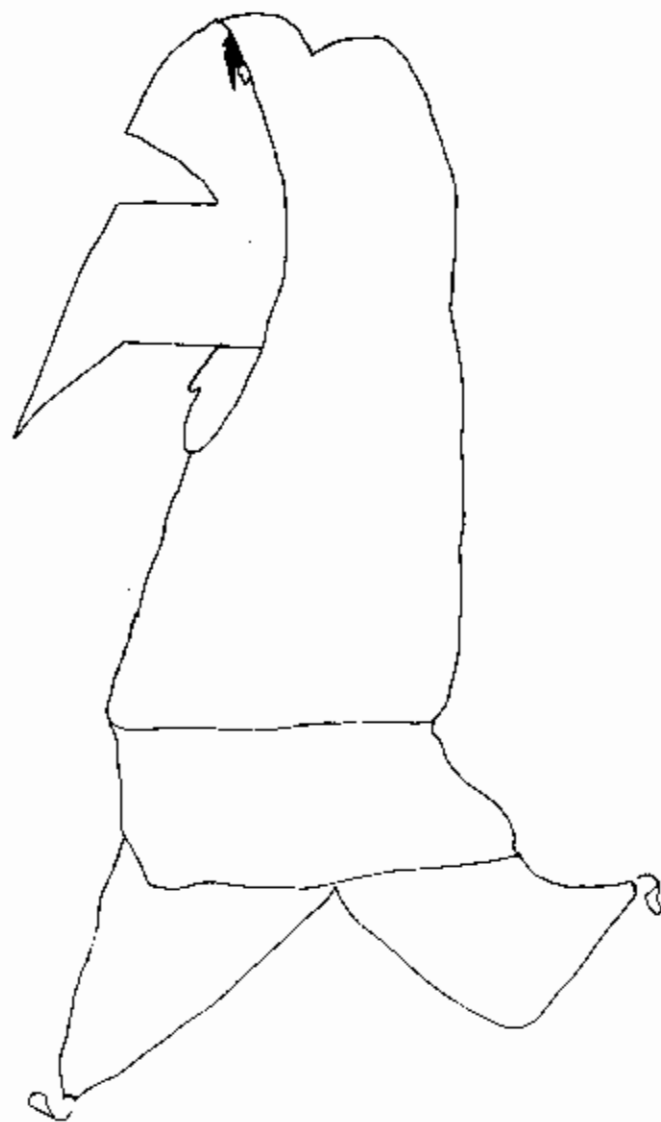


یا شش روز وضو را ساقط می‌داند، و همچنان قبل از بستن ننگار
 نامت روز وضو بسازند، حرام است و بعضی هم مکروه دانسته‌اند.
 اما غسل، هرگاه زنی جاریه* در خانه داشته باشد و کسی
 از خویشان زن هم حاضر نباشد که از شوهر او مخبر باشد و زن
 شوهر را امین نداند که مبادا به حمام رود شوهرش با جاریه مقاربت
 نماید در این صورت ترك غسل کند تا مانع رفع شود. کلثوم نه تا
 يك هفته را جایز دانسته و برخی بیشتر و بعضی کمتر گفته‌اند، و باجی
 یاسمن تا يك ماه هم اجازه داده ولی با او در این قول کسی موافقت
 ننموده و قول اول به احتیاط اقرب است. و دیگر هرگاه ننگ
 زن پاره یا کهنه باشد و شوهرش وعده کرده بگیرد، مادامی که
 نگرفته است غسل ساقط می‌باشد و این قول اجماعی است. اما

* کنیزك.

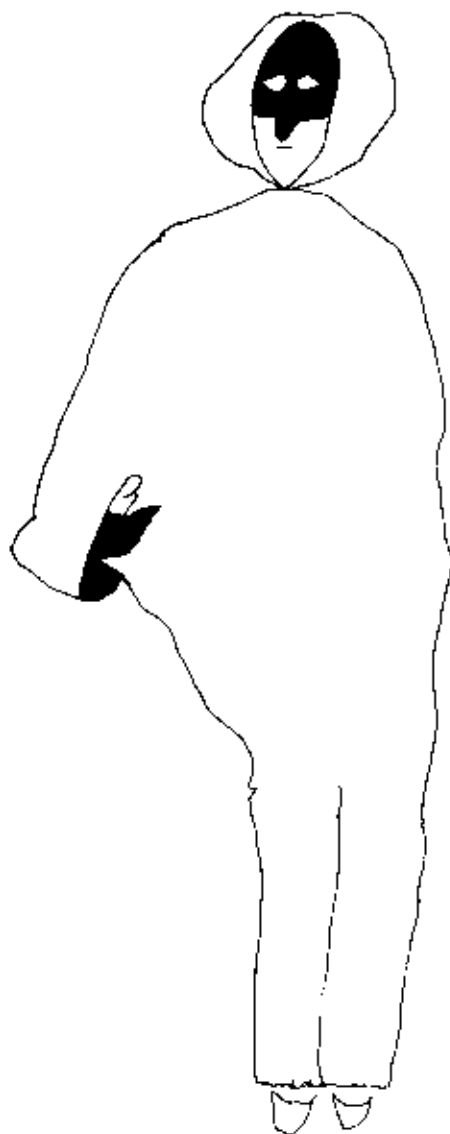


خاله جان آقاودده بزم آرا گفته اند که اگر زن برادر شوهرش که او را جاری گویند ، لنگ نو داشته باشد و شوهر برای او نگیرد مادامی که شوهرش لنگ نگرفته باشد غسل از او ساقط است و هرگاه غسل کند فعل حرامی کرده باشد ؛ و برخی مکروه دانسته اند . و دیگر هرگاه مرد اجرت حمام زن را ندهد و بیرون رود ، غسل از آن زن ساقط است هر چند مدت بگذرد ؛ و جمعی تا سه روز فائل شده اند و دده بزم آرا گفته که اگر زن اطمینان دارد که بعد شوهر اجرت را خواهد داد جایز است از خود بدهد و غسل کند بعد از شوهر بگیرد . کسی در این قول با او موافقت ننموده و این قول خالی از اشکال نیست .



در بیان اوقاتی که نماز ساقط و ترك آن واجب است

اول در شب های عروسی. دوم در حضور ساززن و نقاره چی. سوم وقتی که زن خویشان خود را در حمام ببیند لازم است که ترك نماز کند و حالات شوهر را به خویشان گوید. چهارم روزی که به موعظه شبیدن رفته باشد. پنجم روزی که جامه نو پوشیده باشد و نرسد که خرد و ضایع شود، در این صورت خاله جان آقا ترددی دارد و گفته که ترك نماز مستحب است نه واجب و این قول خالی از قوه نیست. ششم روزی که زن، زینت عید کرده باشد؛ یا به عروسی رفته یا زنی که شوهرش در سفر مانده باشد. و این قول اجماعی است و در چند جای دیگر هم وجوب ترك نماز را نوشته اند که چون سندش ضعیف بود و اختلاف داشت ابراد نشد.



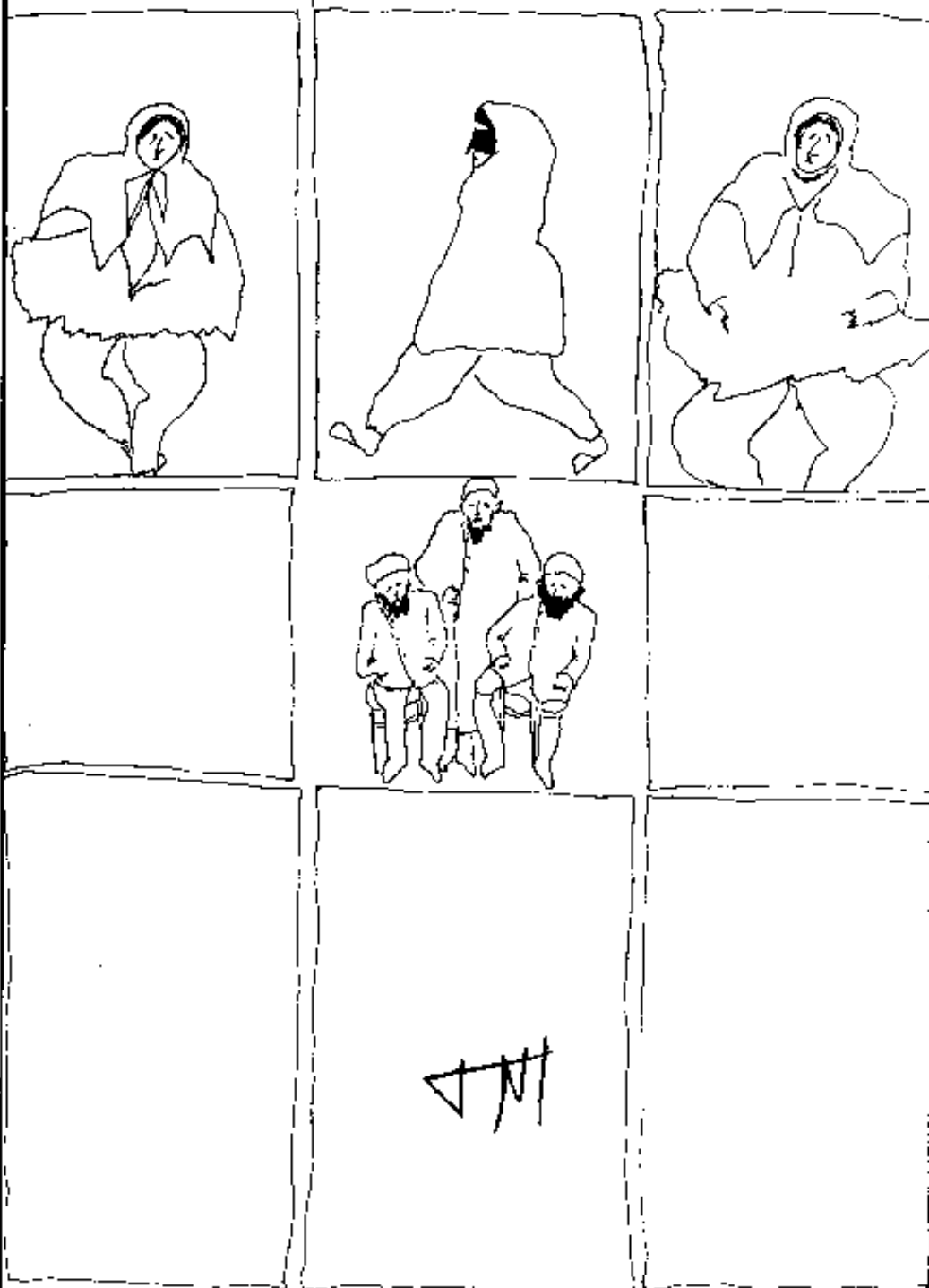
در بیان روزه

بدان که زنان را چندین روزه می‌باشد که به آن روزه به
مطلب خود می‌رسند .

اول روزه مرتضی‌علی، و آداب آن این است که باید حرف
نزند و از جهت افطار به خانه‌ها رفته گدایی کند. به این نحو که به
درخانه‌ها قاشق بزند و بادست در نکوبد و از وجه گدایی برنج و
ماسه و خرما بخرد ، و در وقت عصر پابرهنه از همان اجناس
گدایی چلوئی طبخ کرده و شب به آن‌ها افطار کند . کلثوم تنه و
باچی یاسمن را اعتقاد آن است که قاشق را به غریبال بزند و این
احوط* می‌باشد ؛ و دده بزم آرا گفته اولی آن است که روزه را

* به استیاض نزدیکتر .





روز دوشنبه بگیرد و این قول اقوی است .

دوم روزه هفدهم ماه رجب ، و آن تا ظهر است و ظهر باید
 افطار به تند و کنجد کند . و بی بی شاه زینب گفته که کنجد و قند
 از پول گدایی گرفته شود .

سوم ایضاً روزه مرتضی علی است ، و آداب آن این است
 که از هفت خانه آب چاه بیاورد و با آن آب افطار کند و دو رکعت
 نماز نیز بگذارد . و بی بی شاه زینب گفته که باید از وجه گدایی يك



ای منار کون برنجی

حرفیت می زلمن نرنجی

میون من دسته می خواد

مرد کمر بسته می خواد

بعضی برآند که باید گردکانی را روی پله گذارد و با مقعد خود بشکنند و کلثوم ننه می گوید که باید با طرف راست مقعد بشکنند و ایضاً کلثوم ننه گفته اگر دختر سرین* برگوشت داشته باشد و نتواند گردکان را بشکند، باید نخه بر روی گردکان گذارد و مقعه خود را بر نخه زند که به استمانت نخه گردکان را بشکند و این خالی از قوه نیست .

• کلل .

شمع و یک کوزه بگیرد، و کلثوم ننه شمع را مستحب می داند و این مسئله در وجوب و استحباب اختلافی دارد، و خاله جان آقا گفته که این روزه را دختر نذر کند و بگیرد که به شوهر برود، و بر سر او زن دیگر - که به اصطلاح هوو گویند - نکند و حاجت او بر آورده شود . و بی بی شاه زینب و دده بزم آرا و کلثوم ننه گفته اند که از جهت گشادن بخت دختران و زود به شوهر رفتن ایشان به منار مشهور کون برنجی رفته بگویند:

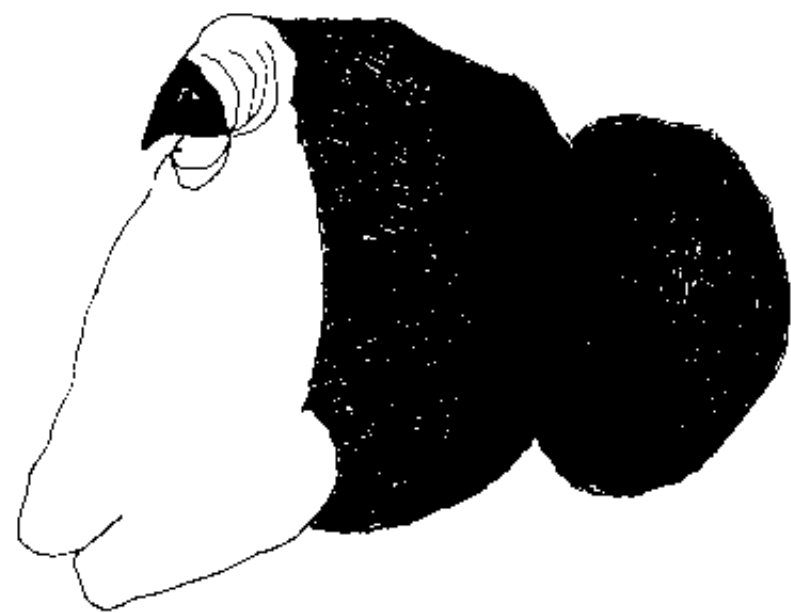
در بیان نکاح

واجب است تمام بندها را بگشاید حتی بند زیرجامه، و طشتی سرنگون گذارده در زیر آن چراغی بسوزاند از روغن طعام؛ و دختر بر روی زین بنشیند، و باجی یا سمن گفته هرگاه زین یافت نشود بالشی گذارد و روی آن نشیند و قدری نبات بر بندازار خود گذارد؛ و بی بی شاه زینب آن را واجب و دیگران مستحب می دانند؛ و کلثوم نه گفته که هل نیز در میان دست خود بگیرد و خاله جان آقا گفته که آن نباتی که بر بندازار گذاشته در وقت بیرون آوردن به دست خود به دهن داماد گذارد که در نظر داماد بسیار شیرین می نماید و این قول خالی از قوه نیست.

و دیگر چادری که داماد آورده در وقت عقد باید بر سر هروس



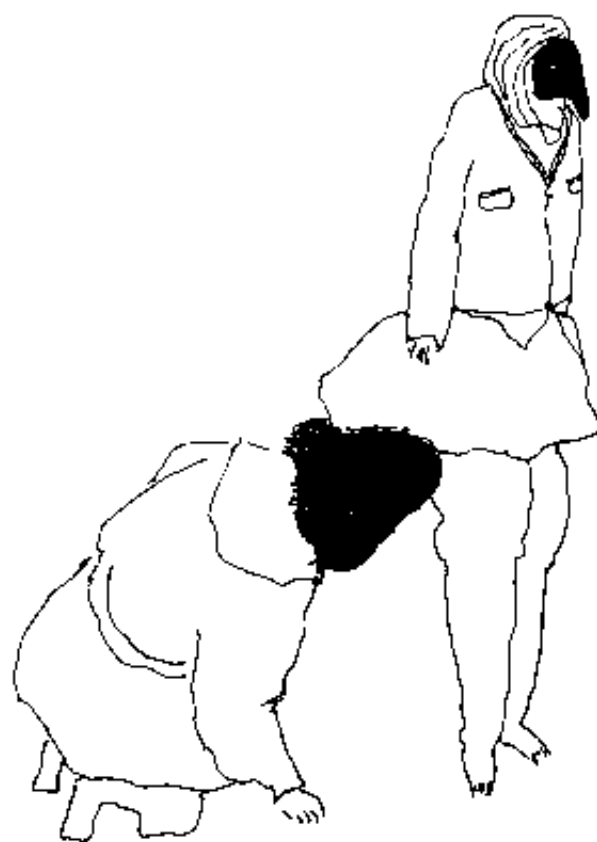
انداخت. و جمیع علماء اتفاق دارند که هیچک از لباس های عروس
نباید گره داشته باشد زیرا که گره به کارش می افتد ؛ و دده بزم آرا
گفته که عروس در وقت عقد بر آینه نظر کند ؛ و خاله جان آقا
گفته که در وقت عقد مستحب است که تخم مرغ ، عروس به دست
خود بگیرد ، در وقت برخاستن رو به قبله آن تخم را به دیوار زند ؛ و
کلنوم ننه این را اسراف می داند و خاله جان آقا ذکر کرده که هر
دختری که خواهد بختش باز شود ، ابریشم سبزی به سوزن کشیده و
در وقت عقد بستن عروس ؛ آن سوزن را فرو کند در چادر عروس
و بعد بردارد و بر سر خود زند که مجرب است.

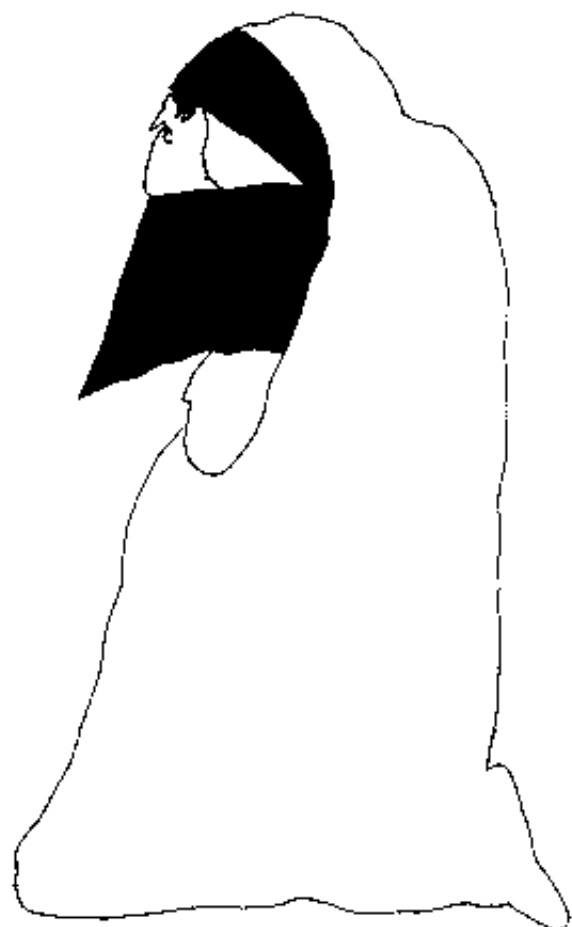


و دیگر ، دختران مادامی که به شوهر نرفته باشند نوره * کشیدن مکروه است ؛ و باجی یاسن گفته که دختر باید ازاله مو را به بند انداختن بکند ؛ و دده بزم آرا به سوزانیدن نخائل است . و بی بی شاه زینب گفته که زائل کردن مو مکروه است ؛ قبل از شوهر کردن هر چند صد ساله باشد و مویش يك چارك باشد اما کسی با او موافقت ننموده .

و دیگر از مسائل مهمه عروسی آن است که در موقع حمام بردن عروس را لغله** بمالند که بدن و فرجش نرم و نازك باشد که مناسب این مقام شاعر گفته :

* واجبی کشیدن .
 ** یا لغلغه ؛ ترکیبی است از عطریات مختلف مانند مشک و عنبر و کافور و نظایر آن .

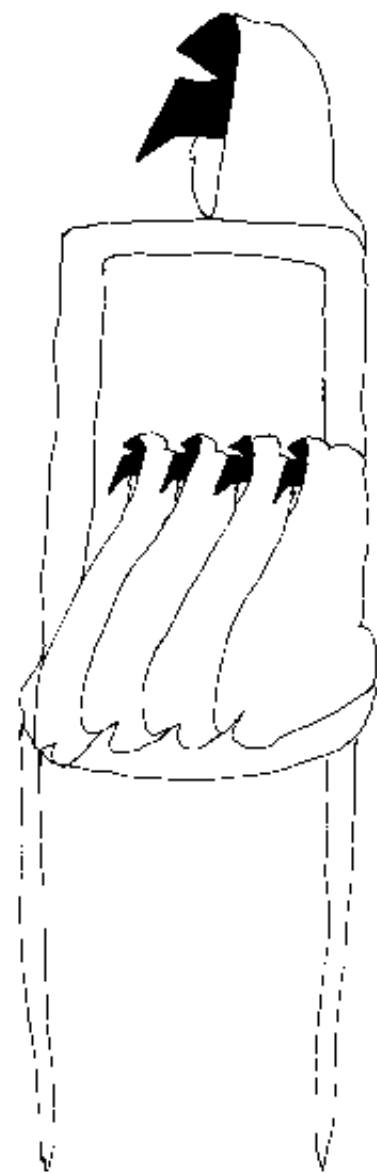




ز ضرب لغغه از بسکه بد صاف
ز سینه بوسه می غلطید تا ناف
اجزای لغغه از این قرارند : کتیرای سفیدی و گل خطمی و
عرق بنفشه و عنبر . باجی یاسمن گفته که داخل کردن مشک واجب
است ؛ و بعضی مستحب می دانند ؛ و بعضی مکروه می دانند.
و دیگر ، بند انداختن دختران را و گریستن ایشان را ، کلثوم
نه مستحب می دانند ؛ و بعضی مکروه می دانند ؛ و بعضی واجب ، و

این قول اقوی است. و اعتقاد اکثر علماست که دختران در موقعی که خانه هستند در باب شوهر کردن خود باید دعا کنند حاجتشان برآورده می شود، و در وقت آمدن دلالت* زینت کردن و در پشت کار نشستن که بند** خود را بر دلالت ظاهر سازند، واجب است؛ و بی بی شاه زینب پشت کار نشستن را مستحب دانسته و این قول به احتیاط اقرب است.

* زنی که برای دختران ترشیده و زنان بیوه شوهر، و برای مردان زن پیدا کند.
 ** هنر و فن که اکنون فندگویند.



در بیان احکام شب زفاف

بدان که گریستن عروس و مادرش در شب عروسی واجب است ، و داماد هم به تمامی زن‌هایی که در آن خانه هستند مجرم است . و دده بزم آرا گفته داماد با هر زنی ملاعبت و دستبازی^۱ کند می‌تواند کرد ؛ و باجی یا ممن و یا سایر علماء آمدن مادر عروس را به خانه داماد در شب عروسی فعل حرام می‌دانند و واجب است که عروس و داماد در شب زفاف پای راست را بر پشت پای یکدیگر گذارند و هر يك بیشتر گذارد ، از دیگری ساقط می‌شود ، و کلثوم نه گفته که اگر شوهر مقدم دارد ، بر عروس غائب آید ، اگر عروس مقدم دارد ، بر شوهر غالب آید . این امر تجربه شده است و اگر کسی عمدتاً ترك کند

۱ ملاعبت ، شوخی کردن مرد بزن .

ترک یکی از فرائض کرده باشد و آثم است و اگر سهواً فراموش کرده باشد، قضا کنند هر چند مدتی گذشته باشد.

و دیگر واجب است که در موقع آوردن عروس، شمع عروسی در جلو روی عروس باشد و بیش از یک ذرع و یک چارک فاصله نباشد. و خاله جان آقا تاسه ذرع تجویز کرده. و نقاره و سرنا و کسانی را که از عقب عروس می آیند، بی بی شاه زینب و خاله جان آقا و کثوم ننه واجب می دانند. و اهل خانه عروس را با داماد باید شربت بدهند. و کثوم ننه واجب می داند. بناجی یا سمن گفته که عروس را در خانه خودش مادر یا خواهر یا دلاله تعلیم کند که با شوهر حرف نزنند و چیزی نخورد تا شوهر چند چیز به او ببخشد



واجب است و خواندن زنان به صدای بلند که :

بادا بادا ، خانوم مبارک بادا

امشب چه شب است؟ شب وصال است امشب

این خانه پر از شمع و چراغست امشب

آقا مبارک بادا ، خانم مبارک بادا ، جانم مبارک بادا...*

تا آخر اجماعی علماست و این تصنیف واجب است خواندن.

دیگر رختخواب داماد و عروس را نباید زنی بیندازد که

نیکبخت باشد یعنی هو و نداشته باشد و دوشوهر نکرده باشد دوشوهر

دوست باشد . و نیز واجب است همه زن های حاضر در پشت در

* در نسخه چاپ مشهد چنین آمده است .

بادا بادا بادا خانم مبارک باد

امشب چه شب است شب وصال است

این خانه پر از چراغ و لاله است.

و یا به گردن گیرد . و این را به اصطلاح دندان گلی * گویند ، و هیچ يك از علماء در این باب اختلاف نکرده اند .

و هرگاه شب زفاف باران آید ، باجی یاسمن را اعتقاد

آنست که عروس ته دیگ خورده است .

و دیگر نبات به دهن یکدیگر ریختن عروس و داماد را واجب

است و از شیرینکاری هاست . و در آینه نظر کردن بر هر دو واجب

است . و بی بی شاد زینب گفته که نقل بر سر آنها ریختن از واجبات

است و نیز واجب است که آن زنانی که حاضرند نقل را از سر آنان

بربایند و این را به اصطلاح گشایش گویند و خاله جان آقا گفته که

اگر نقل بر سر مندیل** داماد مانده باشد هر که آن را بردارد و

به جهت مطبئی بخورد البته مرادش بر آورده شود ، و دایره زدن

* رونمای داماد به عروس در شب زفاف .

** عمامه ، دستار .

و پنجره های اطاق عروس و داماد بنشینند و حرکات و اقوال
آن‌ها را ببینند و بشنوند ، و بعد از آن در وقت نماز، نماز را ترك
نمایند و آنچه را دیده و شنیده‌اند به یکدیگر بگویند و بشنوند و
بخندند که ثواب بسیار دارد .

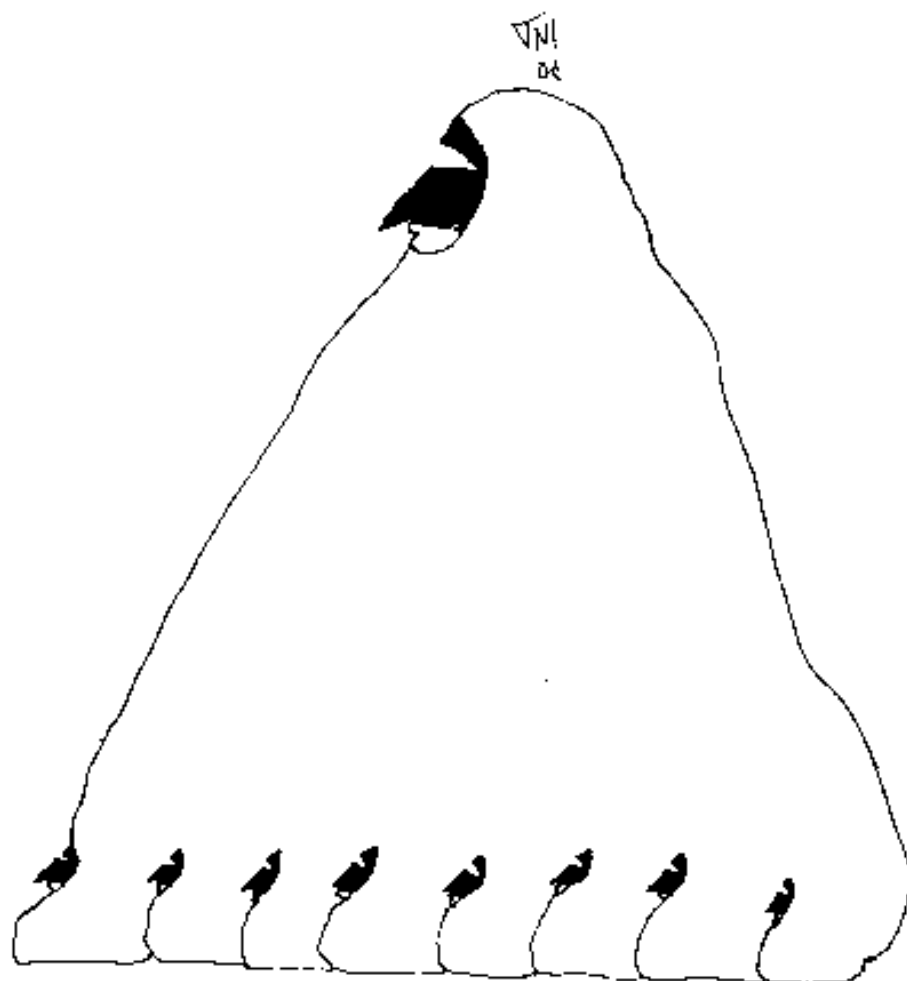
و نیز واجب است عروس را به مجلس در آورند و دایره زنند
و رقص کنند و همان ابیات را بخوانند ، و اگر در شب مقاربت واقع
شده باشد عروس باکره باشد، خونی که از بکارت او آمده ، که زنان
آن را در عرف نشان گویند، به سینی گذارند و به نظر حاضرین رسانند تا
عروس و منسوبانش سرخ و شوند و الا از لثه حیض کمتر شوند. و خاله
جان آقا گفته که بهتر آنست که آن سینی از نقره باشد و کلثوم ننه گفته
که اگر مقدور باشد از طلا بهتر است؛ و دیگر واجب است که در آن
روز هل و گلاب به عروس دهند که اول پسرزاید و این قول قوتی دارد.

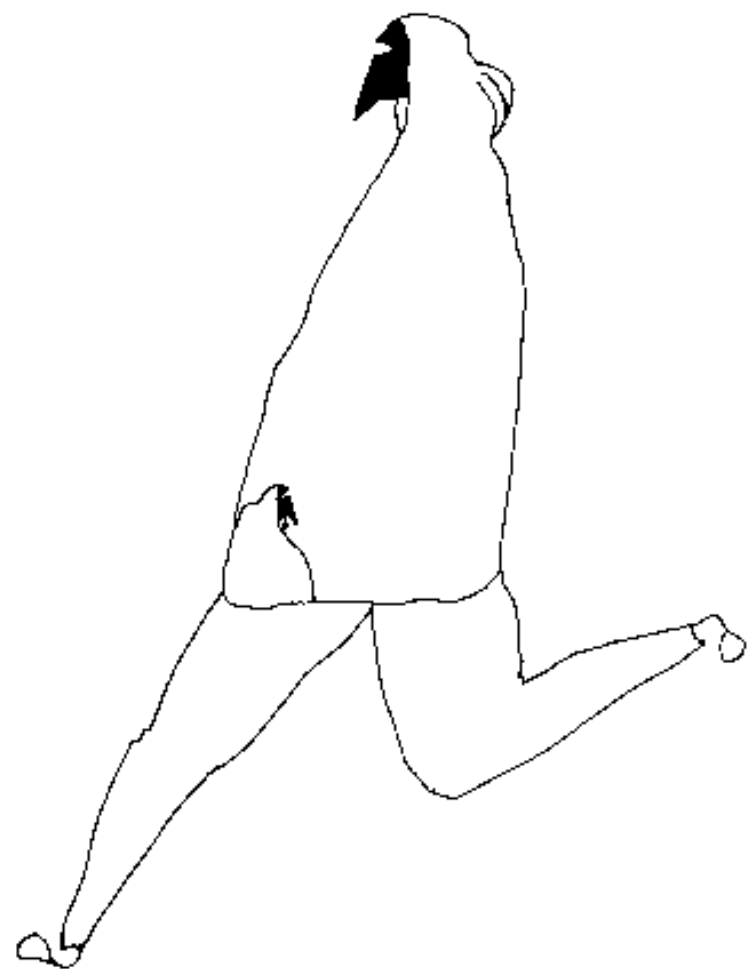


در بیان احکام و اعمال زائیدن زنان و ادعیه* وارده در باره زائو

بدان که وقتی زن را درد گیرد و دیرزاید و دیر فرزند از او متولد شود طریقهٔ معالجه آن است که ماما خطاب کند به طفل و اشاره به فرج زائو کند و بگوید: رخت برای تو دوخته‌اند و آب به جهت شستن تو گرم کرده‌اند، چیزی باقی نمانداری زود بیرون بیا؛ و این مجرب است. و وقتی که وضع حمل شود زائو را به رخت خواب بخوابانند و طفل را نزد او بر زمین بگذارند و تا شش روز زائو را سفید آب به روی بمالند و میل** کنند و خیال برابر بگذارند و

* جمع دعا .
** آتش چوبی یا فلزی که بوسیلهٔ آن سرمه و تونیا به چشم کشند؛ چوب سرمه کش .





باید رختخواب زانو سرخ نباشد زیرا که آل ضرر می رساند و برای دفع ضرر آل، ماما باید شمشیر برهنه در دست گرفته چهار طرف اطاق را با سر شمشیر خط بکشد و در وقت خط کشیدن بگوید:

خخش می کشم ، خخش می کشم

خخش های خخش خخش می کشم

و به زانو در رختخواب بگوید دورت را خخش کشیدم و باید البته خخش بگوید نه خط زیرا که آل ضرر می رساند . و دده بزم آرا گفته که شمشیر برهنه را بالای سر زانو بگذارند تا روز حمام رفتن ، و این مجرب است به جهت دفع آل .

و در باب ترکیب آل علمای به اتفاق معتقدند که او بشکل زنی است ضعیف اندام و ضعیف صورت ، و موی سرخ دراز دارد و

بینی او از گل است چنانکه کلثوم نه در وصف او گفته:

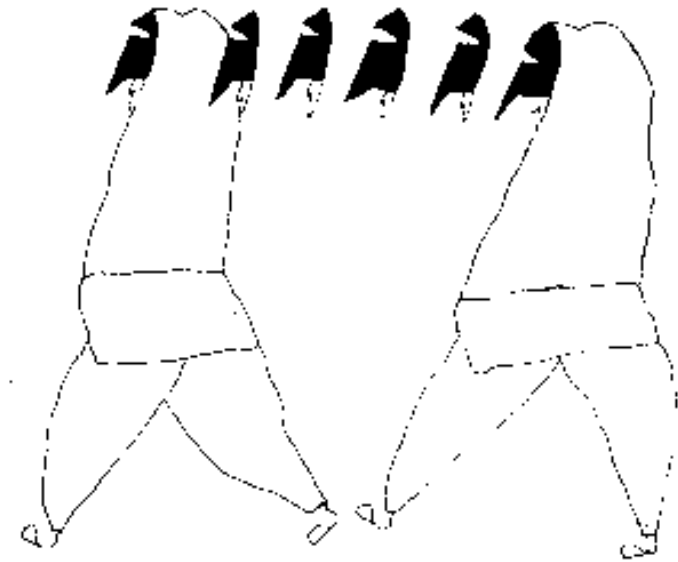
آل بشناختن بود مشکل

گیس او سرخ و بینی اش از گل

گمر بینی بگیر بینی او

تساز زانو جگر نلزد و دل

از آن جا که این ملعون می آید و جگر زانو را می دزدد و از آب می گذرانند، اکثر علماء گفته اند مادامی که از آب نگذشته باشد علاج آن ممکن است و این قسم می توان کرد که اسبی بیاورند و در دامن زانو جو ریخته، اسب بخورد. و اگر به آب رسانیده باشد دیگر علاج پذیر نیست و طفل شش شب باید روی زمین بخوابد و مادرش شب هفتم باید او را به گهواره گذارد و آن شب را شب خیر گویند، و باید شیرینی و خشکبار حاضر کنند و ماما دست بچه را بادستمال بر پشت سرش بزند و اشیاء مذکوره را که به اصطلاح



توشه گویند به بچه بخوراند و این عبارت را به حضار بگوید:

بگیر بچه را!

و یکی بچه را از دست ماما گرفته به دیگری گوید:

بچه را بستان!

بعد از آن بگوید: خدا نگاه دارد و بچه را بگیرد، و به قول

دده بزم آرا هر يك از زنان حاضر باید چیزی به ماما بدهند و لویك

سوزن و سنجاق هم باشد.

و خاله جان آقا گفته که باید ماما گردکانی را در بالای

گهواره بشکنند و در حین شکستن رو به طفل کرده بگوید که اگر صدایی

می شود، نترس. و اگر پدر و مادر نزاع کنند نرس و اگر سنگ و کلاغ با هم صدا کنند نترس.

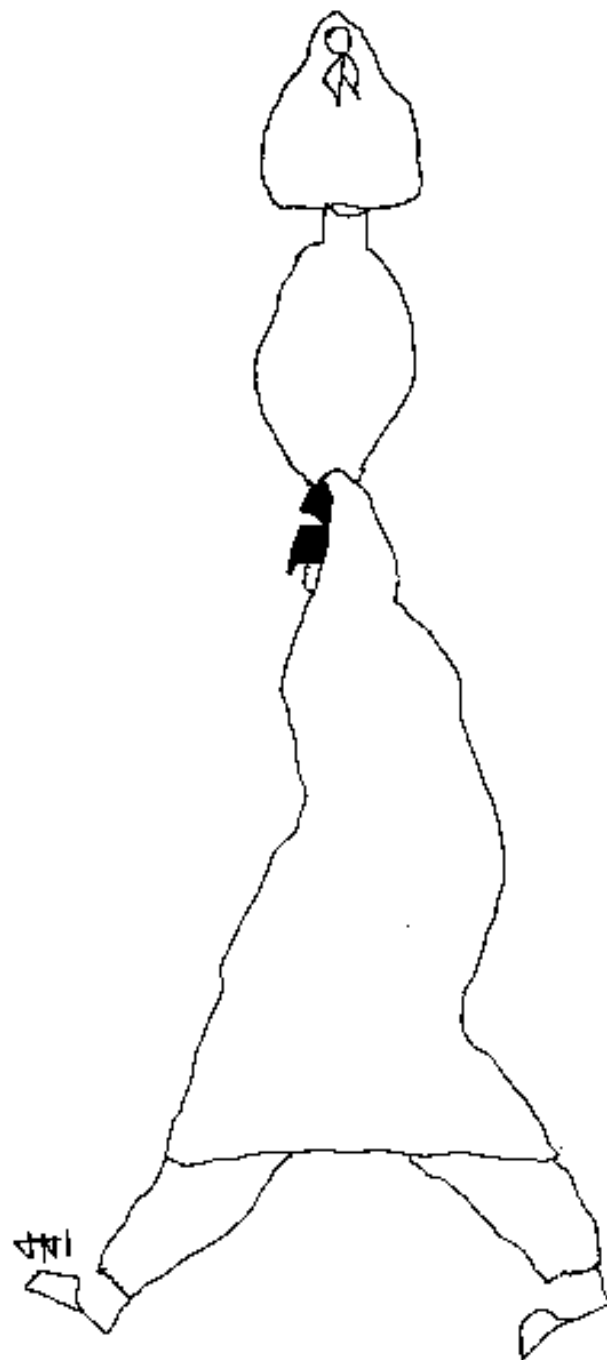
و دیگر زائو را وقتی که به حمام می برند گردکانی را زانو باید خود بشکنند و این خالی از قوه نیست و سه عدد پیاز یا پنج عدد در وقت زائیدن یا خوابیدن نزد او بگذارند و باید پیازها را به میخ آهن بکشند و در روز حمام رفتن باید زائو پیازها را از سیخ بر آورده به آب روان اندازد. و دده بزم آرا گفته که مغز آن گردکان را که زائو به پای خود شکسته بخورد برای درد دندان بسیار نافع است و بعد از آنکه به حمام بروند باید که در سر حمام سازنده حاضر نمایند و چراغان کنند و اکثر این را مستحب می دانند و بعضی

واجب می‌دانند. باجی باسمن گفته که قاووت* نیز زائو باید بخورد
 و کلثوم نه گفته که این قاووت باید از نخود و قند باشد و باجی
 باسمن از چیز دیگر نیز تجویز کرده.

و بعد از آنکه زائو را از حمام بیرون آوردند باید که سفیدی
 نخم مرغ را تمام بر آرند و نبات و دارچین و هل را سائیده بر
 روی او پاشیده زائو از آن بخورد و بعضی هفت عدد گفته‌اند و تا
 نه دانه هم گفته‌اند؛ و آن کسانی که با زائو هستند مستحب است که
 هر کدام يك عدد یا بیشتر بخورند. و دده بزم آرا گفته که هرگاه
 از شمع عروسی چیزی باقی مانده باشد در سر حمام سوزانیدن
 مستحب است و جمعی گفته‌اند واجب است.

* مخلوط آرد حیوانات بوداده با شیره‌ی عسک ، نرمه آرد نخودچی
 که با قند نرم مخلوط کنند .

کلثوم نه ۹۷

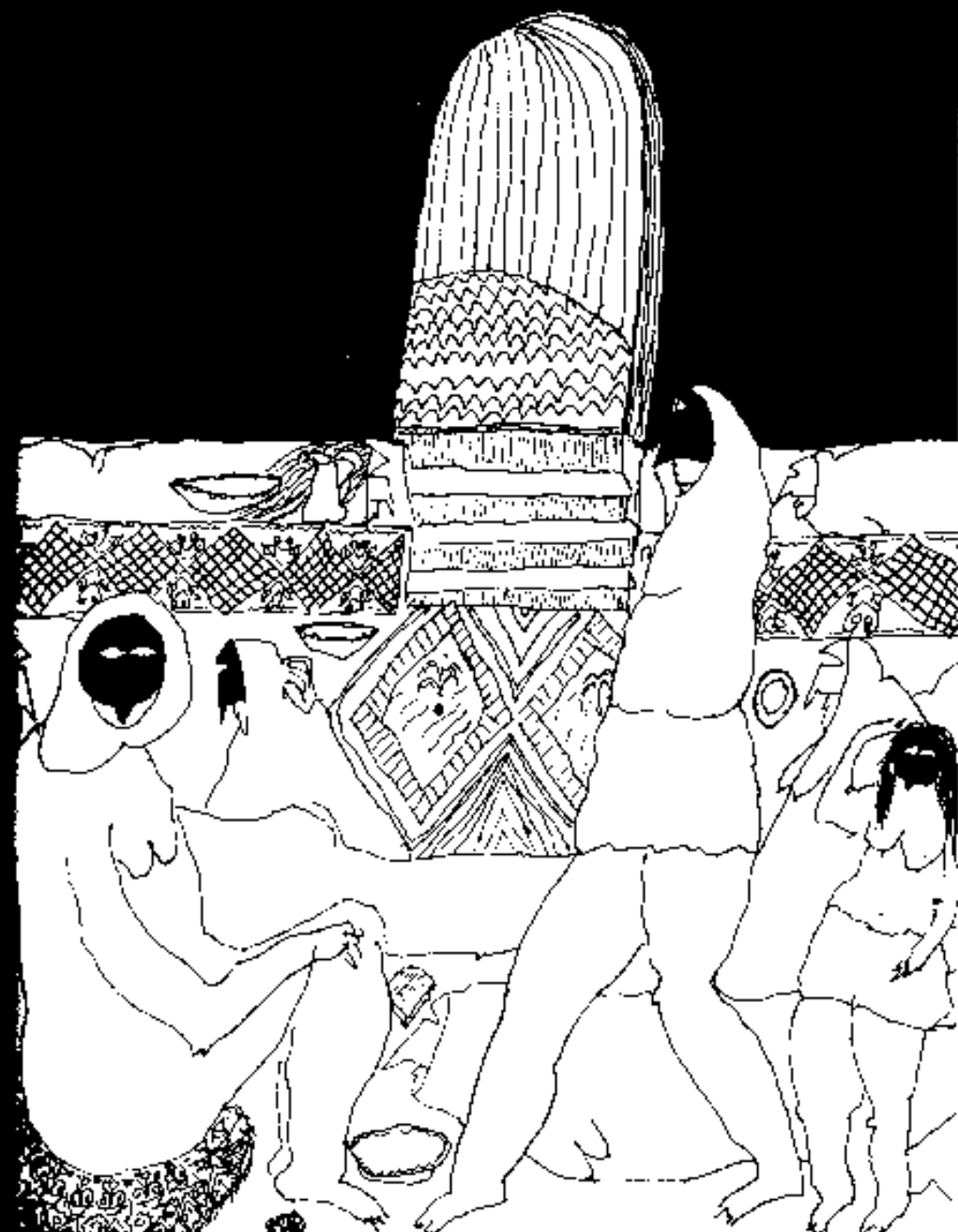


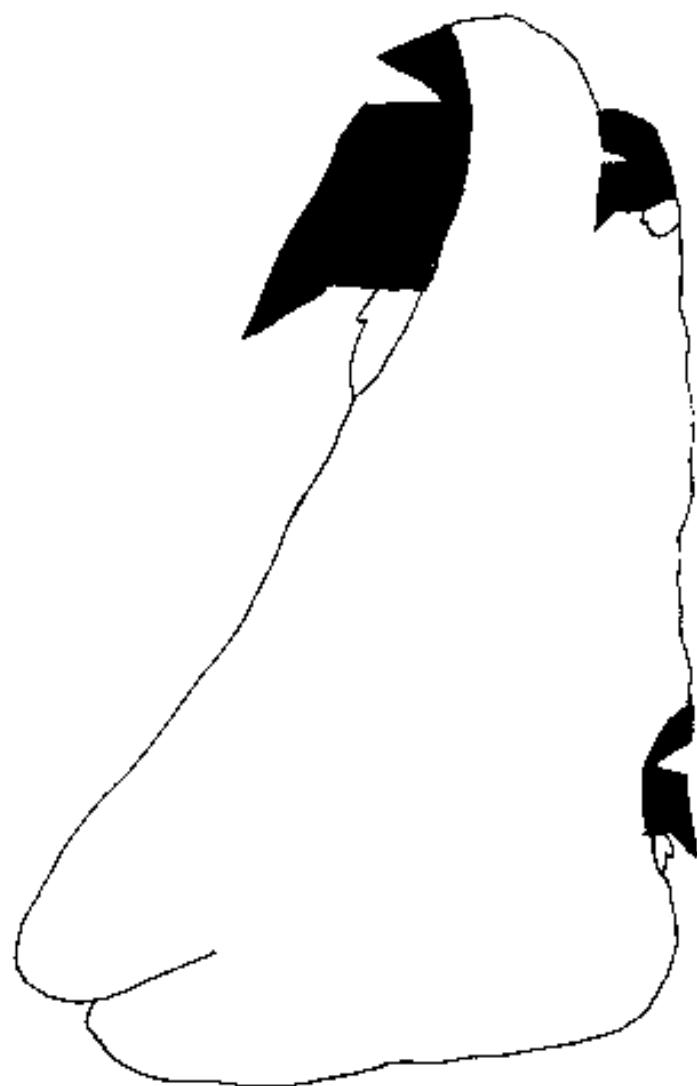
در بیان حمام رفتن

بدان که اکثر علمای زنان گویند که ستر عورت پیش، واجب نیست بلکه کشف آن واجب است؛ و جمعی را عقیده این است که باید دو طرف باز باشد. و باجی باسمن گفته اگر زن لنگ نو داشته باشد باید ببندد و در وقت صابون زدن خصوصاً نوره مالیدن باید لنگ بردارد. و پاره‌ای از علماء این امر را واجب و برخی مستحب می‌دانند، اجمالاً ترك نشود.

و دیگر در وقت نوره کشیدن باید زن‌ها دور هم حلقه زنند و کشف عورت نموده، مشغول شوند و اختلاط* نمایند. و کلتوم‌نه گوید باید حرفی که ما بین زن و شوهر ایشان گذشته بگویند. اما

• گفتگر کردن.





مأكولات که در حمام باید خورده شود : زردک و ترب را واجب دانسته‌اند ؛ و نحاله جان آقا گفته که خوردن ترشاله* در حمام از جهت رفع دردسرنافع است ، و باجی یاسمن گفته که خوردن کوکو و شامی و ماهی که از شب مانده باشد سنت مؤکد است و خیار خوردن را نیز تجویز کرده‌اند ، و برخی دیگر خوردن آلوچه و نارنج و خربزه و هندوانه را موجب ثواب می دانند.

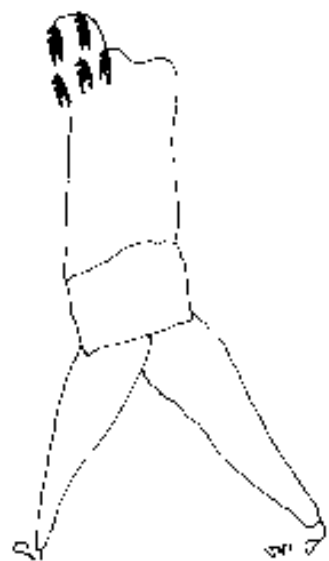
* هر خوردنی که ترش مزه باشد ؛ برگه زرد آلود خشک .

در بیان سازها و افعال آن ها

بدان که دایره زدن ثواب عظیم دارد خصوصاً چهل حلقه ،
و هر چه وسیع تر باشد ثوابش بیشتر است. و هیچ يك از علماء اختلاف
نکرده اند و واجب است که در هر خانه دایره بوده باشد و اگر نباشد،
کاشوم ننه گفته که در عوض در و پنجره و کرسی و سینی می توان
زد و اگر هیچك از این ها یافت نشود مرد و دست را بر هم زنند،
و این خالی از قوه نیست .

بدان که سیزدهم صفر و چهارشنبه آخر صفر که در اصطلاح
چهارشنبه سوری گویند واجب است زدن سازها، چون این دو روز
بلاى بسیار از آسمان نازل می شود؛ به سبب زدن سازها رفع بلا
می شود. و در عروسی ها و عیدها و خنابندان ها و در وقت آمدن



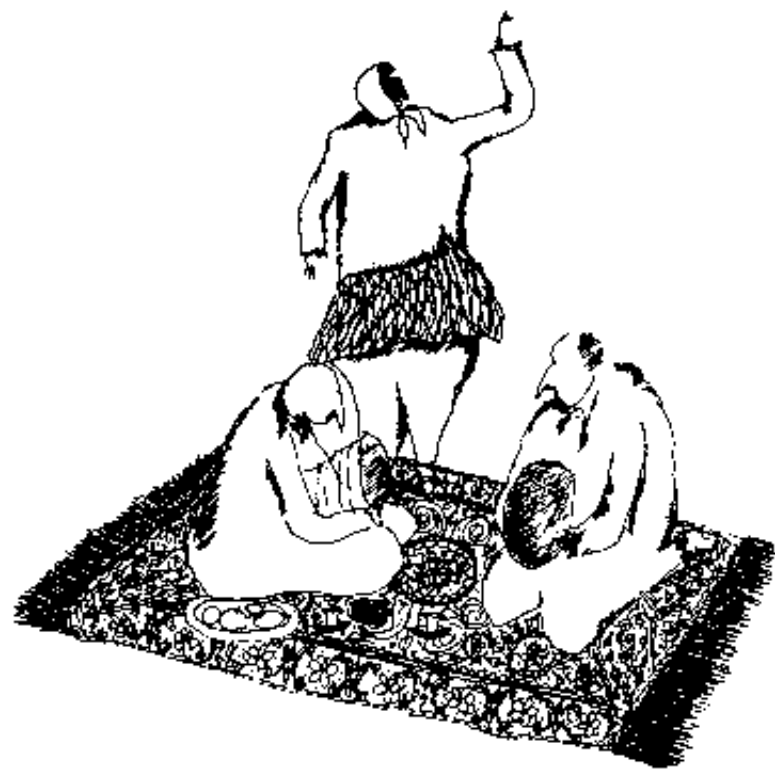


سفری* و متولد شدن فرزند، در این اوقات زدن ساز واجب است. و در سایر اوقات مستحب است. در وقت آمدن نقاره چی واجب است که نقاره بزنند که بدون نقاره، شگون ندارد که نقاره چی از خانه بیرون رود. و خاله جان آقا گفته واجب است که همه زنان به در خانه روند و اگر زنی در نماز باشد واجب است که قطع نماز کند. و باجی یاسمن گفته

• مسافر.

کلتوم ته ۷۵





که باید زنان بر نقاره‌چی سلام کنند و این مستحب است. و اما گریختن از نقاره‌چی مذموم است به اعتقاد باجی یاسمن و دده بزم آرا، و این قول خالی از قوه نیست. کلثوم ننه گفته که در وقت غروب آفتاب نقاره مستحب است که بکوبند، و باجی یاسمن واجب دانسته و این اجماعی علماست که هرگاه زنی ابتدا به کاری کرده باشد و صدای نقاره‌چی بشنود، بهشت بر او واجب گردد.

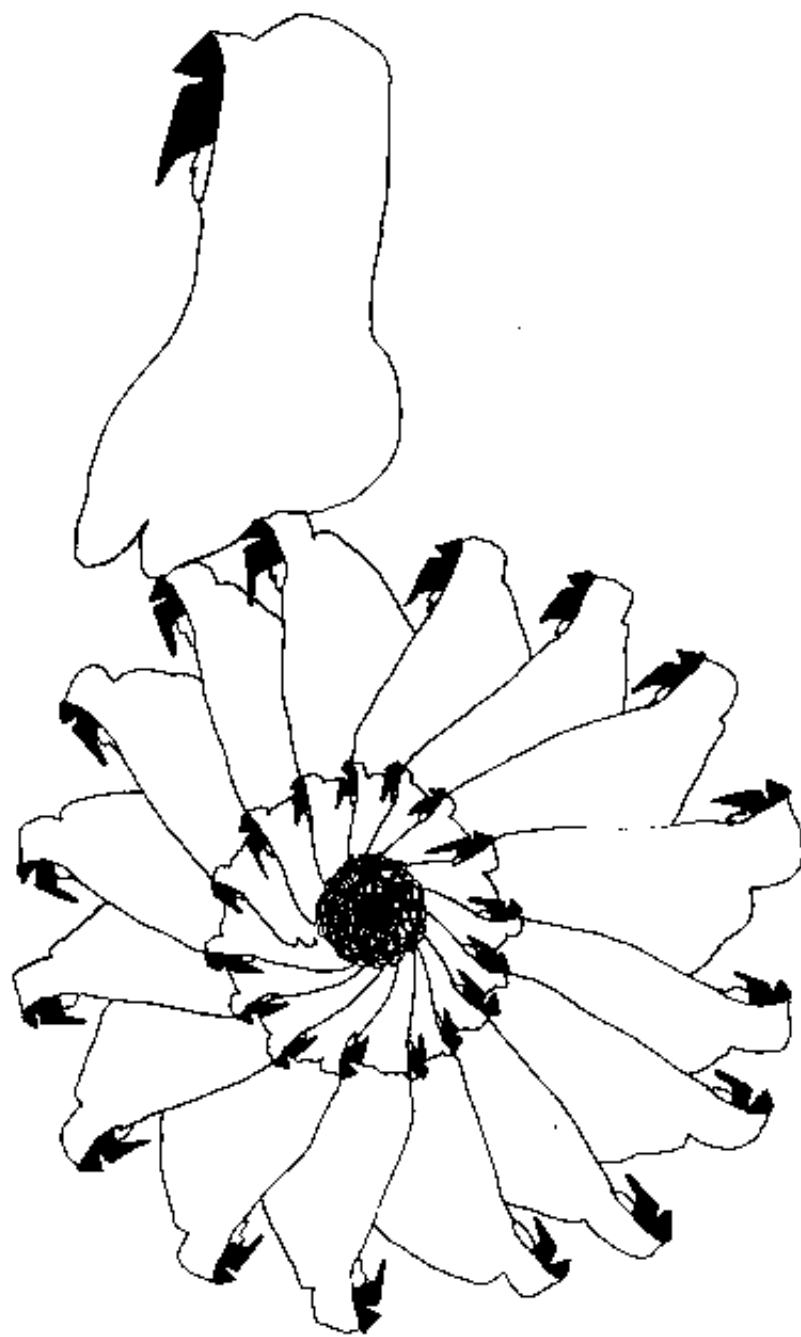
در بیان معاشرت زنان با شوهران خود

بدان که زن وقتی از شوهر راضی شود که زن دیگر نگیرد و در شب و روز با او صحبت بنماید و هر چه او را امر کند ببرد انجام دهد و هر وقت از خانه بیرون رود چیزی از برای او خرید کند و بیاورد، و بی بی شاه زینب گفته که هرگاه زن از خانه بیرون رود، مرد منع نکند. و دده بزم آرا گفته است که باید پول به زنان داد به جهت آجیل ایشان، و هرگاه مرد ندهد، زن خرده دخیلی* کند گناهی نکرده است. و اجماعی علماست که عروس باید با مادر شوهر و خواهر شوهر و زن برادر شوهر که جاری یا یادگونی؛ دشمنی نماید و همچنین آن ها و اگر در دل با هم دوست باشند،

* از سر خراج (خانه و...) زدن و به جیب خود ریختن.



در ظاهر با هم دشمنی بکنند که از جمله واجبات است و بی‌بی‌شاه
 زینب گفته که عروس باید هرچه مادر شوهر گوید برخلاف رفتار
 نماید و مادر شوهر همیشه شکوه عروس را به پسر کند و زن باید
 که هرچه بتواند اقتراباً به خواهر شوهر بندد. و کلثوم نه گفته هرگاه
 مابین آنها نزاع واقع شود باید که اعضای یکدیگر را به دندان
 بگیرند و در نهایت شدت و غضب بکنند، خصوصاً گوشت فرج
 یکدیگر را اگر بتوانند بگیرند بسیار ثواب دارد، و این را در لغت
 زنان لقمه گویند. و نیز واجب است که اگر فرج زن صدمه خورده
 است در وقت جماع به شوهر تفصیر را به گردن خواهرش گذارد
 که با خواهرش کمتر محبت و مهربانی کند شاید به این سبب کمتر
 به خانه او آید، و این قول قونی دارد.

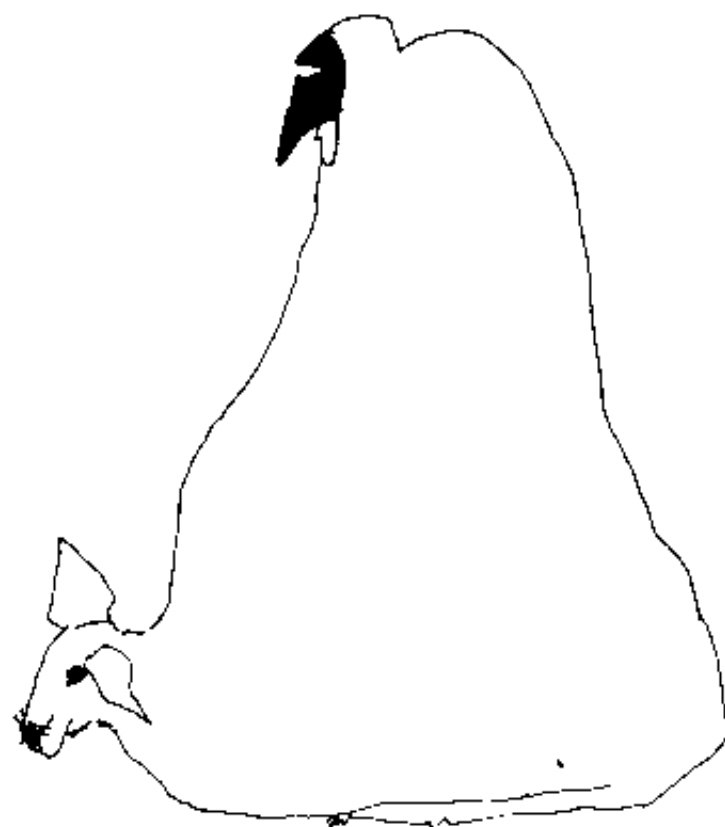


در بیان مطبوخاتی که به نذر واجب می شود

اول سمنو* بدان که در وجه تسمیه سمنو اختلاف است ؛
بمی بی شاه زینب و خاله جان آقا را اعتقاد آن است که وقتی سمنو
را وضع کرده اند، سی من آرد و یک من گندم بوده است و آن دو
نفر قائلند سه منو است که از کثرت استعمال سمنو شده است چنانکه
در رساله جداگانه متن و حاشیه تصریح نموده اند.

کلثوم نه گفته که سی من آرد و یک من گندم معلوم نیست
و این سمنو بدون وی واقع شده است. و وجه تسمیه آن آنست که
چون مصالح و اجزای آن سه چیز است که آن آرد و آب و گندم باشد؛

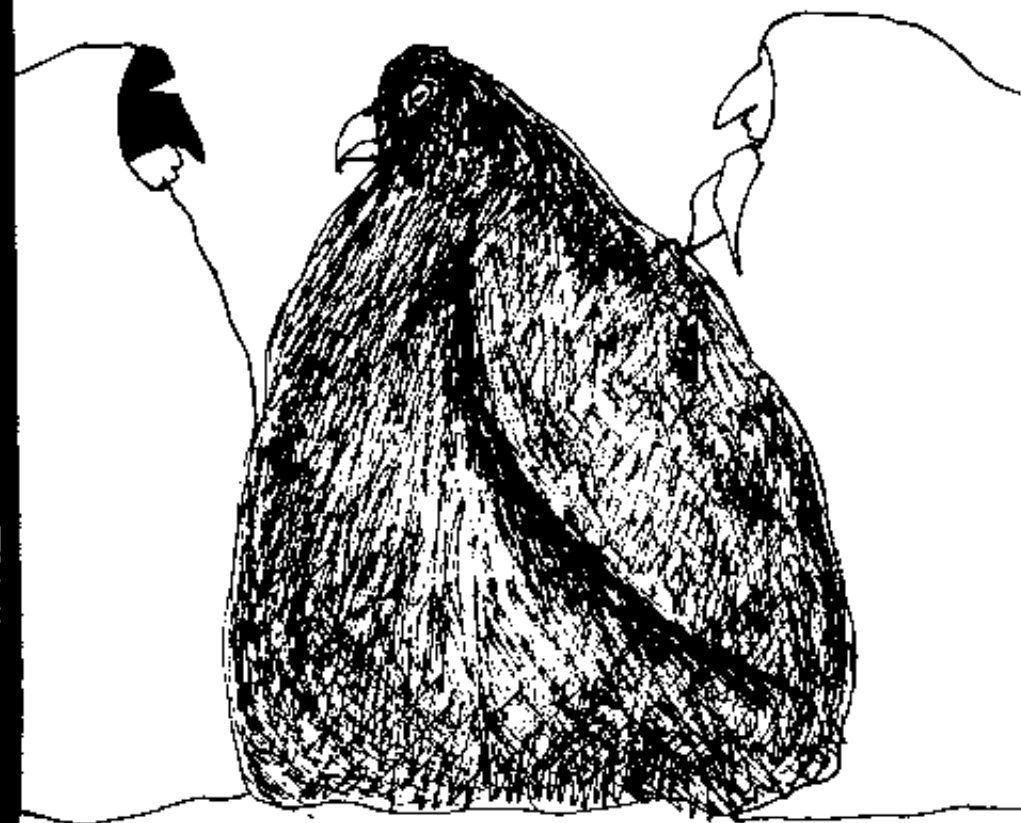
* نومی شیرینی که معمولا در هفت سین نوروز گذارند. و نیز به نذر آن
که پسر بزرایند یا بخت دخترشان باز شود؟ سمنو بار می کردند.



از این جهت سمنو گفته شده است . و بعضی بحث کرده اند که پنج چیز است و گردو و بادام نیز دارد و بعضی گفته اند دو چیز ، وقتی که واضح وضع کرده بود ندانسته بلکه در آخر تصرف کرده اند و ظاهراً این قول اصح است .

و جمیع علماء را اعتقاد آن است که از اعظام لذورات ، چهار چیز است : اول سمنو ، و در هر وقت می شود پخت . دوم شله زرد* ، و آن را باید در ماه محرم پخت گرچه برخی عقیده به تعیین وقت ندارند و به اجماع علماء هر وقت بخوانند توانند پخت . سوم حلوائ سوهان ، که از سمنو پخته می شود . و کلثوم ننه گفته که به بعضی می افتد خوب است و به بعضی نمی افتد بد است . چهارم آتش شله قلمکار** ، و آن نیز مشهور است و احتیاج به ذکر ندارد .

* نوعی غذا . برای تهیه آن از برنج ، روغن ، شکر ، مغز بادام ، زعفران و گلاب استفاده می شود .
 ** نوعی غذا . جهت تهیه آن از برنج ، عدس ، لوبیا ، نخود ، ماش ، پیاز ، گوشت و سبزی استفاده می گردد .

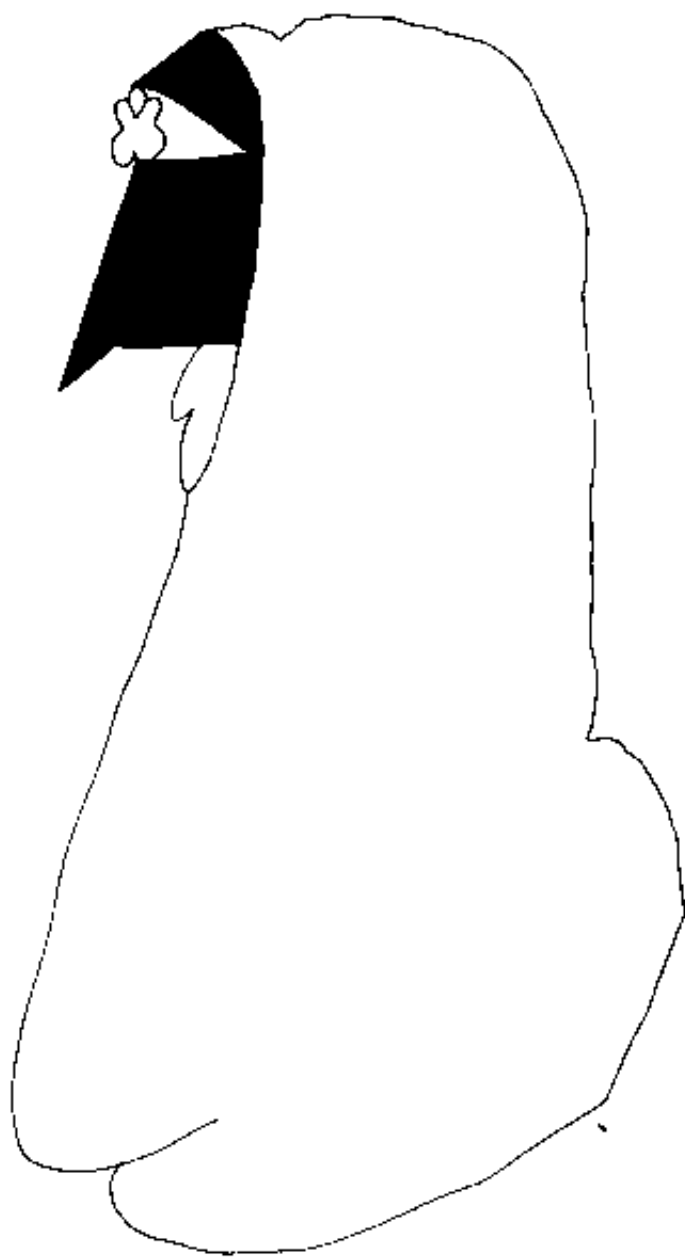


در بیان تعویذ و چشم زخم

اول مهره های کبود که خوش رنگ باشد. دوم شاخ آهو. سوم ناخن بلنگ، و کثوم ننه گفته که آن شاخ باید به نقره گرفته شود. چهارم مهره سفید که آن را کس گربه* گویند به اصطلاح زنان؛ و این عظیم تر است. پنجم نفس حمار و به قول اصح باید کوچکتر باشد از خرمانعرك. و بعضی گفته اند که هر چه بزرگتر باشد بهتر است. ششم پارچه کبود که که به اتفاق جمیع علماء از جمله تعویذات جلیله است و خاله جان آقا گفته که باید پارچه کبود را در روز چهارشنبه پیش چشم بر بندد.

* سپهرای است که گویا از بقایای جانوران دریایی و نرم تنان به دست آید و آن را در جز نظر قربانی برای جلوگیری از چشم زدن به کودکان می آویزند. فرهنگ لغات عامیانه - محمد علی جمالزاده.





هفتم بابا غوری که آن هم مهره است و این قول احوط است . و از این مقوله بسیار است که ذکر آن‌ها موجب تطویل کلام است . و بعضی بنیه چهل رنگ گفته اند ، و کلثوم ننه گفته که این پارچه پشه ای باید هر یک از جای باشد و لازم است که از کسی گرفته باشند که داغ فرزند ندیده باشد و فرزندش مانده باشد ، و این قول قونی دارد . هشتم اسپند سوزانیدن ، بهتر آن است که در غروب آفتاب باشد و اکثر علماء قائلند که باید شنبه خریده شود و این احوط است و بی بی شاه زینب گفته که هر گاه خواهند اثرش بیشتر باشد به دردکان عطاری روند و بگویند: اسپندداری؟ چون گوید بلی از آنجا بگذرند و در جای دیگر رفته بگیرند و این احوط است.

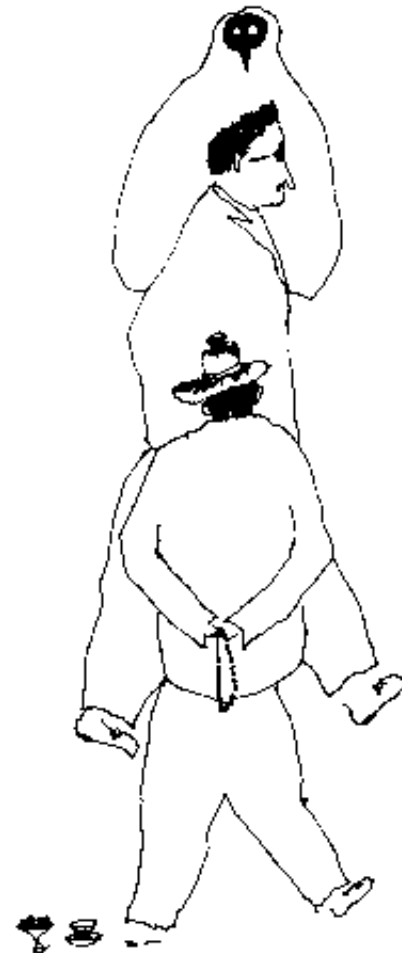


و آداب سوزانیدن اسپند آن است که اگر شب جمعه بسوزانند
بهر است به اعتبار این که تمام بیماری‌ها رفع می‌شود. و اگر بر کف پا
بمالند برای هر علتی آن علت زایل گردد. و در وقت سوزانیدن بگویند:
بترکد چشم حساد و حسود برافتد منافق و جهود. و بعد از آن اسم
دشمنان خود را که دانند بگویند. و از سیاهی اسپند، بعد از آن که
سوخته باشد، باید بر کف پا و دست و سر بینی ایشان کشیده شود که
تأثیر عظیم دارد.

در بیان اقسام محرم و نامحرم

کسانی که نامحرمند اول عمامه بسر، اگرچه کوچک و کمتر از پانزده سال داشته باشد، ولی عمامه هرچه بزرگتر باشد صاحب آن بیشتر نامحرم است. و طالبان علم، در هر لباسی باشند. دیگر علماء و پیش‌نمازان و خدام مساجد و روضه‌خوان و واعظ و تاجر و کسانی که به حج رفته باشند. دیگر مؤذن. و واجب است این چند طایفه اگر محرم نسبی هم هستند مانند شوهر یا پسر خود و عمو یا پسر برادر و پسر خواهر و دایی و حتی شوهر خود، زن از آن‌ها بگریزد و اجتناب نماید و الا گناه کرده است.

اما آنان که محرمند؛ یهودی یراق فروش، سبزی فروش، زردک فروش، بزاز، پنبه عوض‌کن، طیب، رمال، دعانویس،





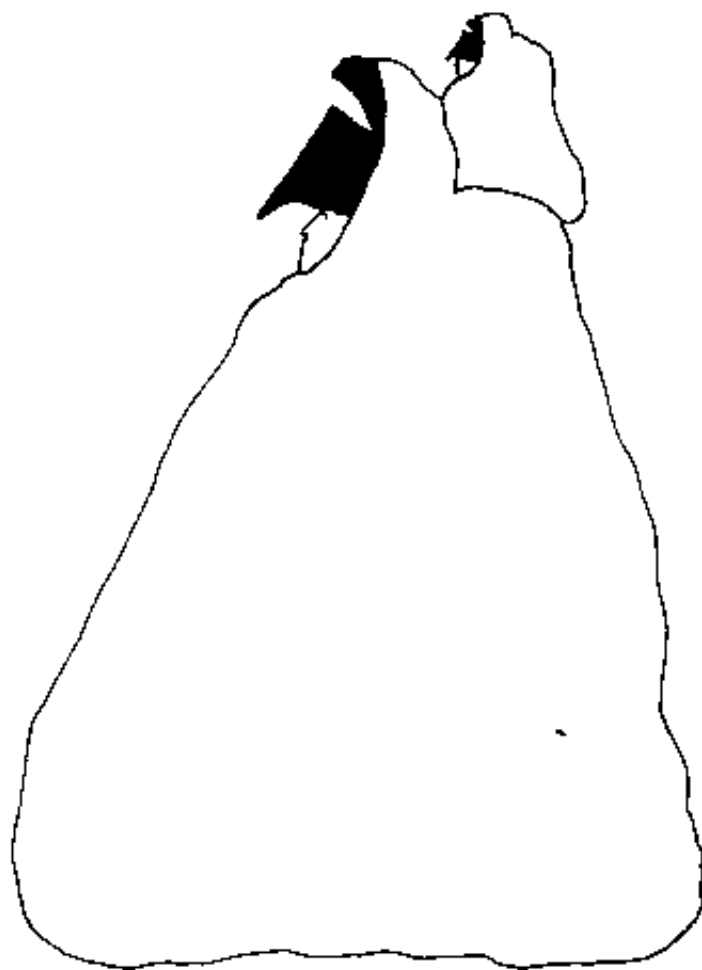
جادوگر، مطرب، نقاره‌چی، سرناچی، عمله، کلاه‌بسر، گل‌بیند
فروش. ودهه بزم‌آرا فرماید که اگر یهودی براق فروش باشد و
اتفاقاً اودمانویس هم باشد، به اندازه‌ای محرم است که تا هم فیها
خالدون! واجتناب از اوقفل حرام وجزء گناهان کبیره می‌باشد بلکه
این‌مرد اگر به‌خانه وارد شود باید احترامات او را بجا و حاجتش
را برآورد.

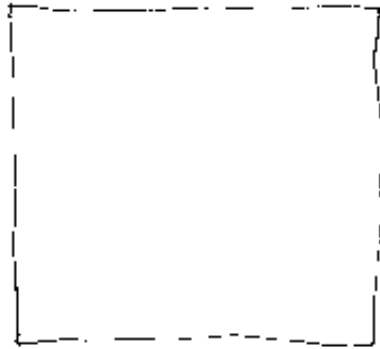
در بیان استجابت دعای زنان

در چند وقت دعای ایشان مستجاب می شود:

اول در وقت زدن نقاره، هیچ دعایی رد نمی شود و این دعا را بخوانند:

توكلوا على غير الله ان كنتم فاسقين وان تسمعون حرف الشيطان
فاسجدوا والبقره ان كنتم ساجدين واوصيكم تترك الصوره واكل الصوم
ان كنتم سامعين. وتشغلوا الضرب الدف والدنبك ان كنتم عاقلين. اللهم
انى اسئلك بل سئلت غيرك ان يعقد لسان زوجي وزوجه اخيه وامه وابيه
واخته ومواليه، وان يحفظنى من شر جميع اعدائى سيما ما ذكر اسمهم
وان يضيق اسافل اعضاءى وان يقذف محبتى فى قلب زوجي واذامات
يلغنى فى ساعته وفاته. استجب دعائى بحق اعدائك النبلين البيعارين





دلاک تیغ می زند و ذکر طفل رامی برد هیچ دعا رد نمی شود بخصوص
دعای دخترانی که هنوز شوهر نرفته باشند.

هفتم در شب زفاف باید که دور هم بنشینند و حرف های شیرین
در میان آورند که باعث خشنودی مادر عروس شود. بعد دعا کنند که
مستجاب می شود.

هشتم وقت میوه بستن. باید روزی که انگور یا خربزه می بندند
بگویند که خربزه گرفتیم برای خرچی خانه. آن خربزه و انگور را به
سلامت بخورند.

نهم وقت جا کردن آذوقه سالیانه است. باید که آتش عدس
ببزند که باعث تیرک است.

دهم وقت عقد بستن و وقت تولد فرزند.

البیکارین یا اسم السامین.

دوم در وقت زدن هر ساز، خواه سرنا باشد و خواه کمانچه و
امثال این ها، و باجی یاسمن گفته که وقت سوتک زدن البته دعا
مستجاب است و این خالی از قوه نیست.

سوم در وقت باز کردن دیک حلیم و سمنو و آتش بر گگ و بر گگ
ریختن در دیک، و باجی یاسمن گفته که در وقت گندم ریختن نیز هیچ
دعا رد نمی شود.

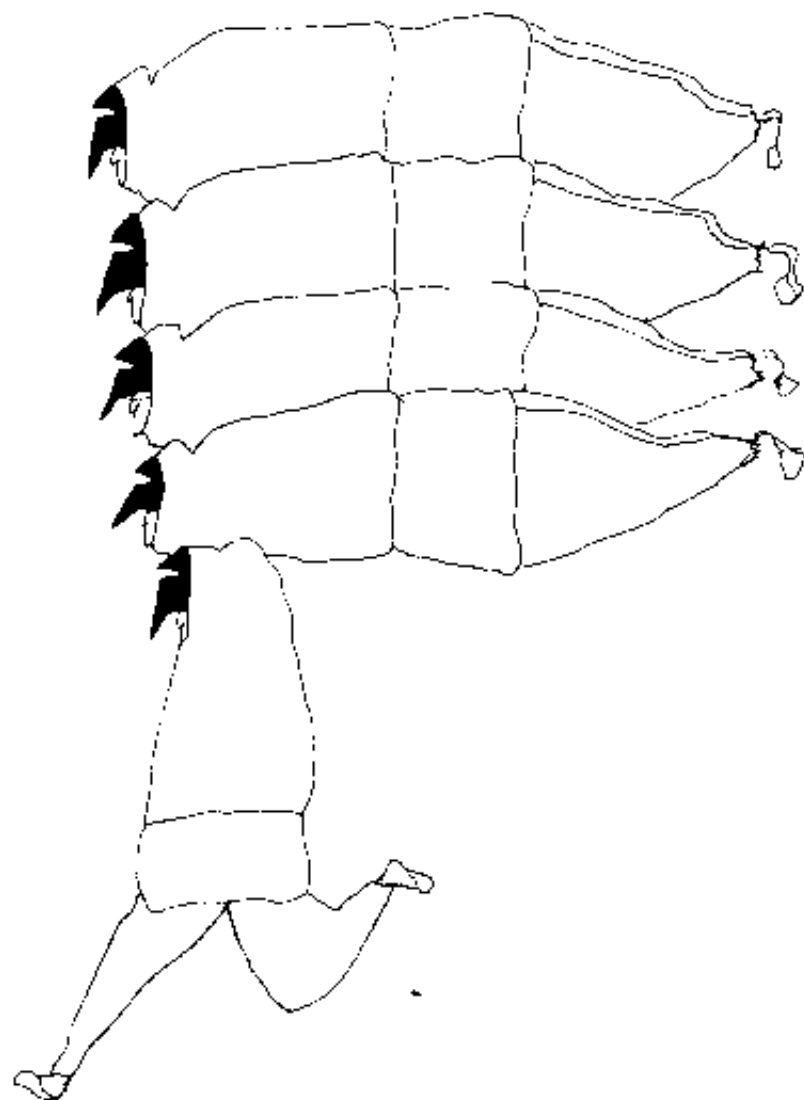
چهارم در وقت حنا بستن عروس، باجی یاسمن گفته و دده بزم -
آرا نیز قائل است که دعا رد ندارد.

پنجم وقت خواب رفتن.

ششم وقت نختن کردن پسران. باجی یاسمن گفته که وقتی که

در بیان آمدن مهمان به خانه و بیرون رفتن و متعلقات آن

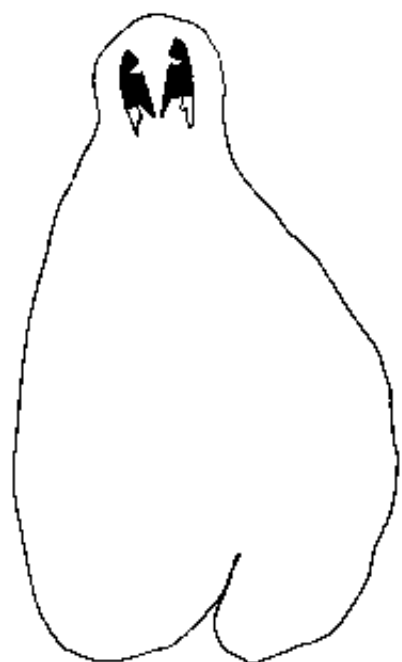
بدان که اجماع علماء بر این متفقند که در شب چهارشنبه نباید به خانه مهمان برود در شب جمعه نباید گذاشت که مهمان از خانه بیرون آید؛ زیرا که در شب چهارشنبه درد بد و آفت‌ها به خانه می‌آورد و در شب جمعه هرگاه بیرون رود برکت و رزق و ثواب بیرون می‌رود. و بی بی شاه‌زینب و دده بی‌زیم آرا را اعتقاد آن است که سابق بر این دستور چنین بوده اما مامسأله را چنین یافتیم که در شب یکشنبه مهمان به خانه نبرند و اگر در شب شنبه کسی مهمان شود شب یکشنبه را مانند و البته می‌رود و بعد برمی‌گردد. و مهمان تا سه روز اختیار با خودش می‌باشد و منت بر صاحب خانه ندارد و بعد از سه روز هر روز که می‌گذرد منت مهمان بر صاحب خانه است و مدت مهمان بودن از یک هفته





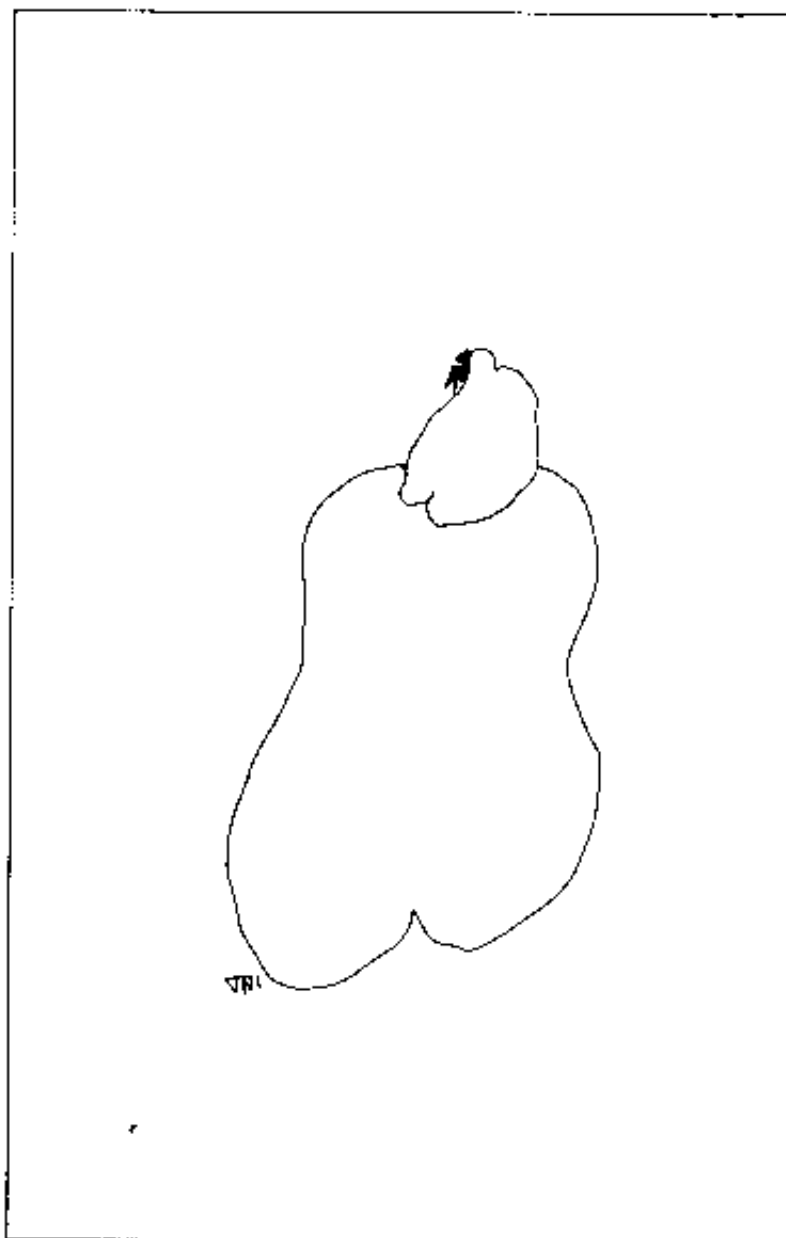
کمتر و از يك ماه بیشتر نیست و باید هر زنی که به مهمانی می رود تمام اطفال خود را همراه ببرد، حتی طفل شیرخواره و دایه اش را نیز ببرد، و قول بعضی از علماء این است که هر گاه در شب چهارشنبه کسی به شب نشینی برود و خواهد که برگردد، يك دانه سنجاق به زبان گیرد و به خانه میزبان به جای خود اندازد.

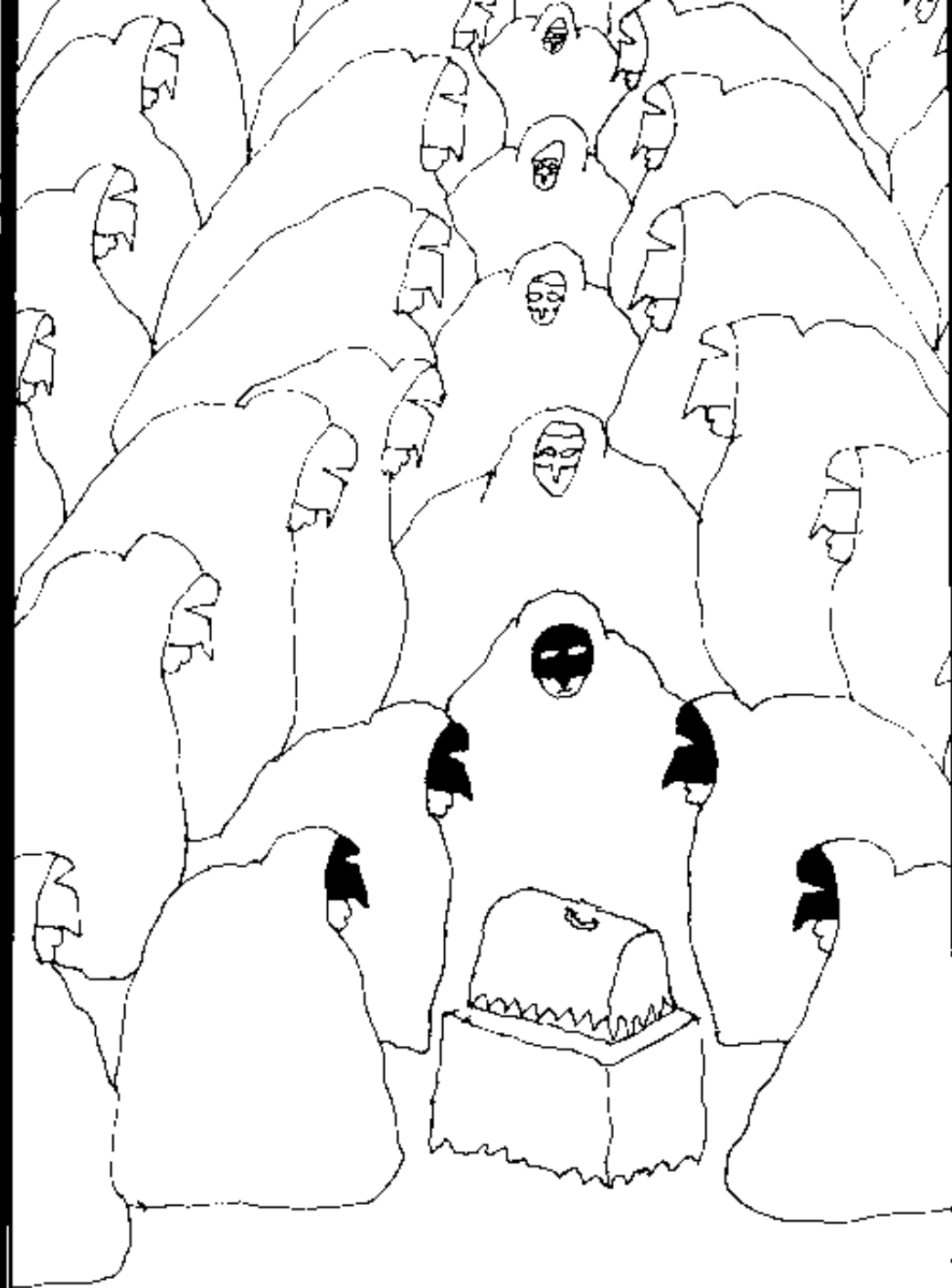
و در وقت چیز خوردن میهمان هر چند که سیر شده باشد ؛ بر میزبان واجب است که لقمه های بزرگ گرفته و به یاد هر يك از خویشان او که به خانه مانده اند و حاضر نیستند بدهد؛ و ایشان را در سفره یاد کند که جای فلان خالی است .



و بر مهمان واجب است که در وقت چیز خوردن با يك دهنه
چیز نخورد بلکه قدری بخورد و تأمل نماید و میزبان او را قسم دهد به جان
شوهر و فرزندان که چیز بخورد و او مضایقه نماید و کم کم خورد.
و دیگر چون مهمان در جایی باشد و صاحب خانه با حلال خود
مقاربت کند بر مهمان واجب است که از صاحب خانه چیزی بگیرد
بخورد مثل حلویات و نبات و خشکبار و این را به اصطلاح زنان
سلطان حقی می گویند.

و بر میزبان واجب است که از برای مهمان خربزه و هندوانه و
انار و سیب یا حلویات بیاورد و چون مهمان به خانه خود رود





واجب است که جاخالی* فرستد مثل هل و میخک و غیر آن و جاخالی را فردای آن شب بفرستد. و بی بی شاه زینب گفته که يك روز بعد از رفتن مهمان احوط است. و باچی باسمن گفته که در جاخالی فرستادن کوتاهی نکند که از گناهان کبیره است، و هر کس ترك نکند جاخالی فرستادن مهمان را، خداوند خیر و برکت به او می دهد. و اجماعی عمل است که عروس می سه ساله را هم باید جاخالی فرستاد.

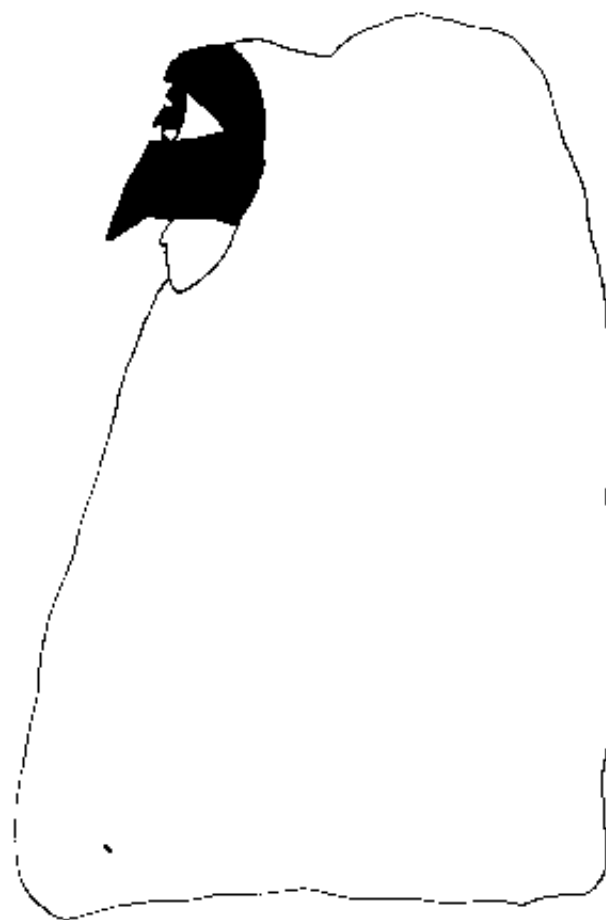
* یا جاخالی یا آنچه بعرض هدیه فرستند کسی را که از جای رفته است.

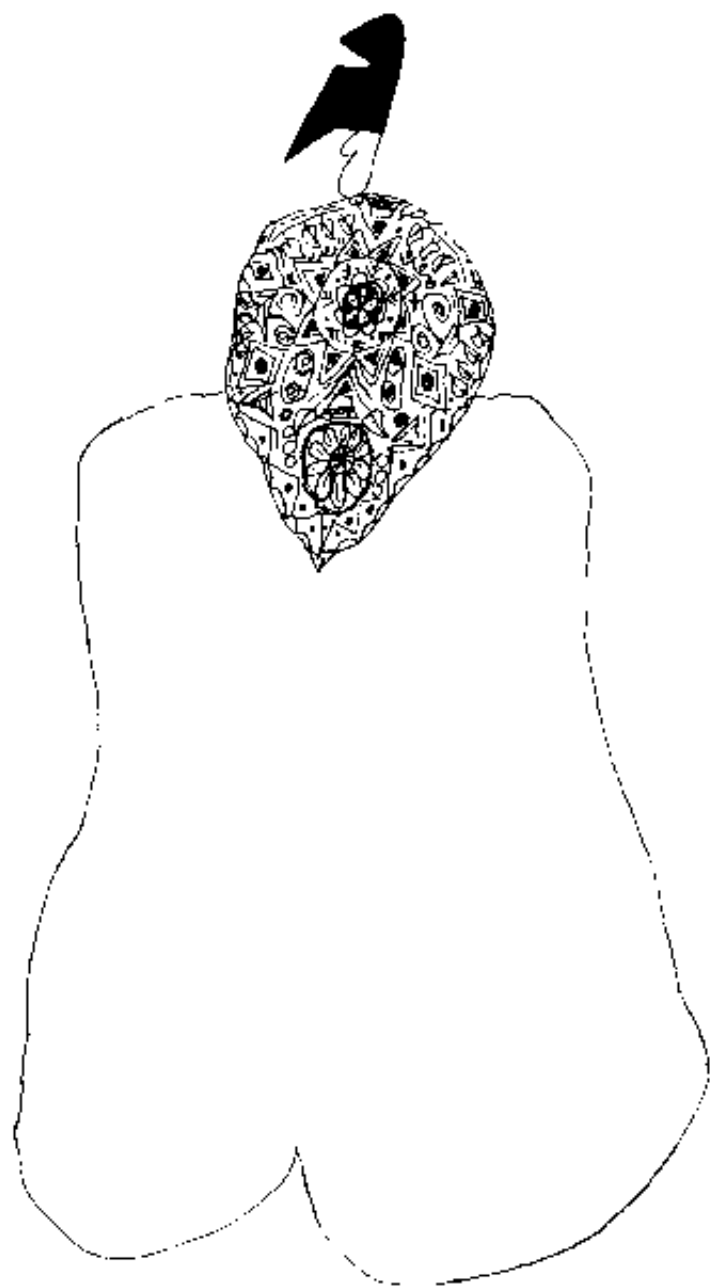
در بیان صیغه خواهر خواندگی

جميع علماء اتفاق دارند که باید زن خواهر خوانده‌ای* داشته باشد و اگر کسی بمیرد و خواهر خوانده نداشته باشد چگونه باید بهشت داشته باشد؛ و کسی که خواهر خوانده داشته و تمام اوقانش را صرف آن کند در قیامت برای او حساب نخواهد بود و او را بی حساب داخل بهشت کنند. و بی بی شاه زینب گفته که اگر عمداً ترك کند آثم و گناهکار خواهد بود و بردین پهلوی و نصرانی خواهد مرد، و این قول نهایت قوت دارد.

در بیان روز صیغه خواهر خواندگی اجماعی علماست که این

* دختر یازنی که شخص او را به خواهری پذیرفته باشد. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به «نایب‌النساء» مسعود کتیرانی، صفحات ۳۹ - ۴۸.





امریاید روز عید غدیر واقع شود و در غیر این روز درست نیست و باید در یکی از اما مزاده‌ها خوانده شود و زدن دایره در آن وقت واجب است و نیز شربت باید بدهند ؛ و کیفیت خواهر خواندگی به فتوای کلثوم ننه این است که یکی بگوید :

به حق شاه خیر گیر.

و دیگری بگوید :

خدایا مطلب ما را بر آور و بپذیر.

و دیگران به نحو دیگر گفته‌اند و در این باب اختلافی دارند ، اما این اقوی است و دستمال چند که باید خواهر خوانده‌ها داشته باشند به اجماع علماء چهارده دستمال است :

اول دستمال غمزه بند، و طریق بستن آن این است که باید بر پیشانی و دست راست بندد.

دوم دستمال عشوه بند، و طریق بستن آن این است که بر یک طرف سر کج بسته شود.



دهم دستمال حقه بند، و طریق بستن آن این است که باید برران، بر روی زیرجامه بندد.

یازدهم دستمال سرخواب پیچ.

دوازدهم دستمال آجیل بند، که باید در مهمانی‌ها داشته باشد به جهت ثقل بستن.

سیزدهم دستمال فرق بند.

چهاردهم دستمال مزه بند.

بدان که هرگاه دو زن بخواهند خواهر خوانده بشوند بدون دیدن یکدیگر، اول زن معتبری که باید نهایت اعتماد بر او داشته باشند که او را در اصطلاح پاسیز* گویند، و عروس چک از موم سازند و کلثوم نه گویند عروس چک در اصل عروس کوچک بوده که از کثرت

* سیاهی، دلال.

کلثوم نه ۱۱۳

سوم دستمال زلف بند، و طریق بستن آن این است که یک طرف پیشانی و یک طرف زلف را بگیرد.

چهارم دستمال یکه شاخ، که سردستمال را به سر بند کرده و سردبگش را به دوش انداخته دارد.

پنجم دستمال چکی چکی، که باید در آن روز آن را از زیر ذقن* برده سرهای آن را پشت سر بند نماید.

ششم دستمال زنار بند، که باید آن را از پشت گردن در پیش سر کرده گره زنند.

هفتم دستمال بال بند، که باید آن را روی بازو بندد.

هشتم دستمال داغ بند، که باید آن را مابین دست و مرفق** بندد.

نهم دستمال مکن مرگ ما، که باید آن را به پشت دست بندد به نحوی که انگشت بزرگ را نگیرد.

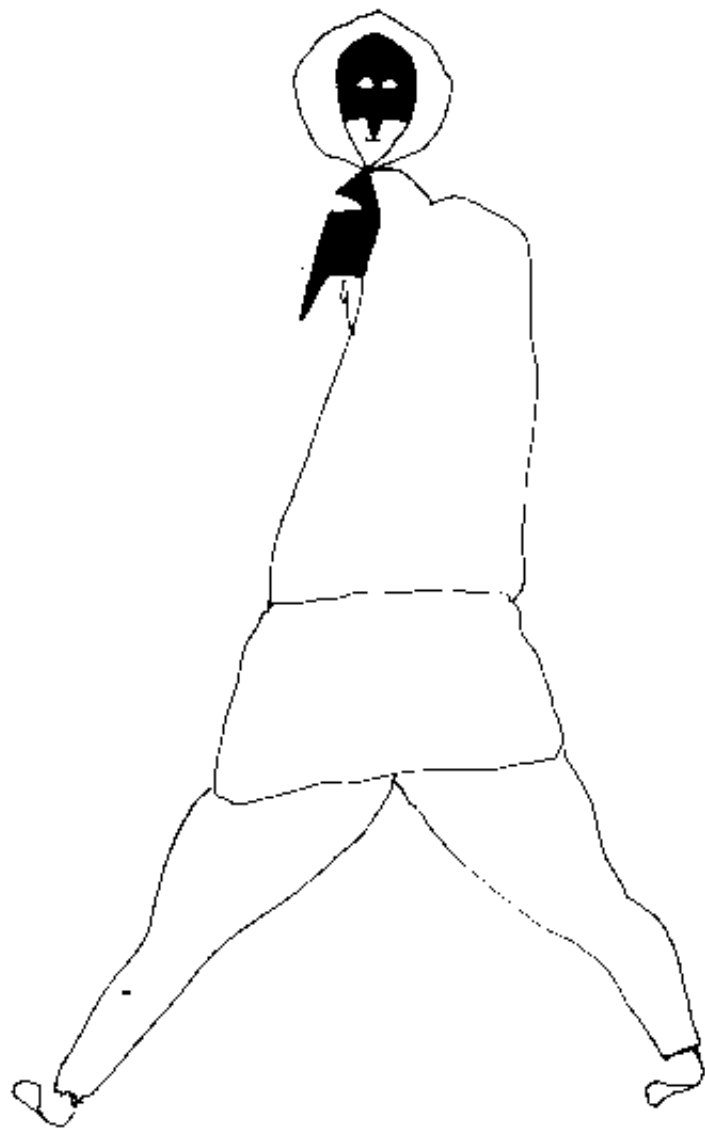
* چانه .
** آرنج .

۱۱۲ کلثوم نه

استعمال عروس چك شده و سایر علماء گفته اند این كاف كاف تصغیر است مانند پسرک و دخترک و غلامك . و باید خوان پوشی در نهایت زینت با يك خوان شیرینی درست کرده و عروس چك را بر روی خوان نشانده از برای آن که می خواهد با او خواهر خوانده شود بفرستد.

و اگر آن کس خواهد که خواهر خوانده شود؛ باید يك كجك نقره که آن را در اصطلاح زنان گلو بند نامند بر سر عروس چك بیندازد و پاسباز را نیز خلعت دهد؛ و کائوم ننه گفته لؤلؤ زربفت نیز کافی است و بعضی گفته اند که رخت ساده نیز کفایت می کند و قول اول اقوی است .

و هر گاه چنین رد و بدل شد معنی رضایت طرفین است و اگر هم طرف نخواست که خواهر خوانده شود چادر سیاه بر سر عروس چك کرده پس می فرستد.



**در بیان چیزهایی که
بعد از خواهر خواندگی
برای یکدیگر فرستند**

و ذکر همه آن‌ها باعث طول کلام می‌شود، آن چه را علمای
خمس در آن اختلاف نداشته‌اند ما ذکر می‌کنیم و آن‌ها از این قرار
است :

هل درست، یعنی حلم دارم.

هل باز، یعنی هلاکم .

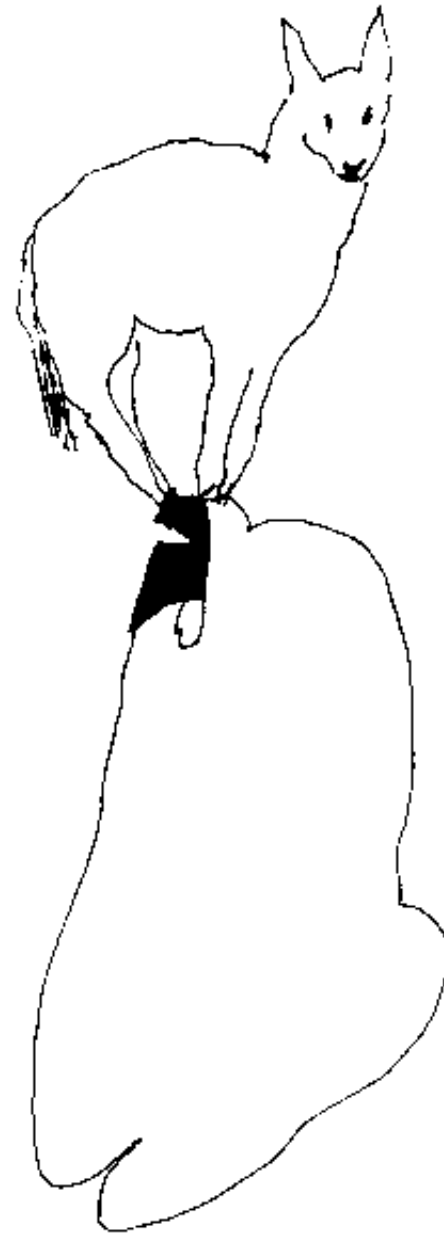
هل يك طرف پوست کنده، یعنی از حلم پاره پاره شدم.

میخك، یعنی کبابم .

دارچینی لوله، یعنی قربانت شوم .

دارچینی باز کرده، یعنی بیمارم، چکنم؟

جوز درست، یعنی من از توام، هیچ غم نخور.



جنوز يك طرف سائیده، یعنی درد وضعف دارم، این را
مالیده‌ام توهم بمال .

تبات، یعنی در چشم من شیرینی.

صندل، یعنی همه وقت می‌بویست.

شیشه، یعنی دل من از دست تو نازک شده است .

عناّب، یعنی:

عناّب لب لعل ترا قند توان گفت

چیزی که به جایی نرسد چند توان گفت .

زعفران، یعنی :

زردم کردی چو زعفران سوده

تا چند خورم غم ترا بیهوده .

انچوچک*، یعنی لعنت بر تو.

* یا انجکک، درختی که در ایران در جنگل‌های خشک فارس و کوه‌های
پختیاری ولرستان وجود دارد . دانه آن شبیه به دانه‌امروء و مغز آن سفیداست و
آن را خورند .





فندق شور نکرده، یعنی غم ترا خورده و می خورم.

فندق شور، یعنی سراپا داغ ترا به دل دارم.

فندق سرداغ کرده، یعنی آتش بر سرم افتاده است در طلب تو.

فندق کون پهلو داغ، یعنی چنان که آتشم بر دل زدی آتش

بر کونت بیفتد.

بادام پوست کنده، در این باب نیز بییتی گفته اند:

بادام سپید سر بر آورده ز پوست

عالم خبر است من ترا دارم دوست.

گاه، نیز بییتی گفته اند:

تکیه بر دیوار دارم همچو گاه از دست تو

بر در دیوار بنویسم که آه از دست تو.

کلثوم ننه ۱۲۰

تیر و کمان که می سازند هم نظمی گفته اند:

عاشق کردی مرا به بازی بازی

استاد شدی تو و کمان میسازی

خواهی که بیک شست دو تیر اندازی

من نردنیم به ششدم اندازی.

زغال، یعنی دشمن روسیاه شود.

موم، یعنی از غمت مثل موم شدم.

کاغذ سرخ، کلثوم ننه گفته:

برایت می نویسم نامه ای از بس که خون گریم

تو گویی کاغذ مکتوب من رنگ خنادر.

کاغذ زرد، نیز گفته اند: این زردی رنگ از فراق توشده.

مرد نیز از برای زن به اعتماد کلثوم ننه اگر تنگ طلا بفرستد

این معنی را دارد، بیت:

تو که از تنگ طلا می می خوری،

سر سرنای مرا کی می خوری.

کلثوم ننه ۱۲۱

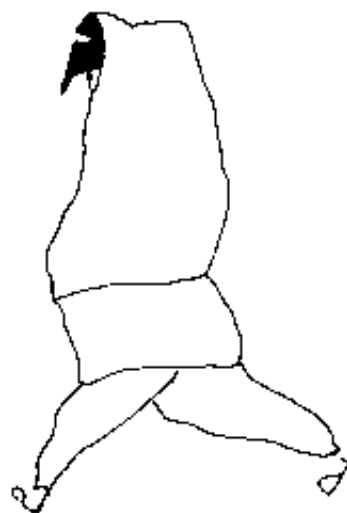
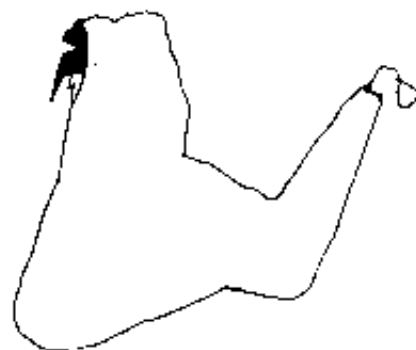
خاله

در بیان ادعیه و اذکار متفرقه و آداب کثیر المنفعه

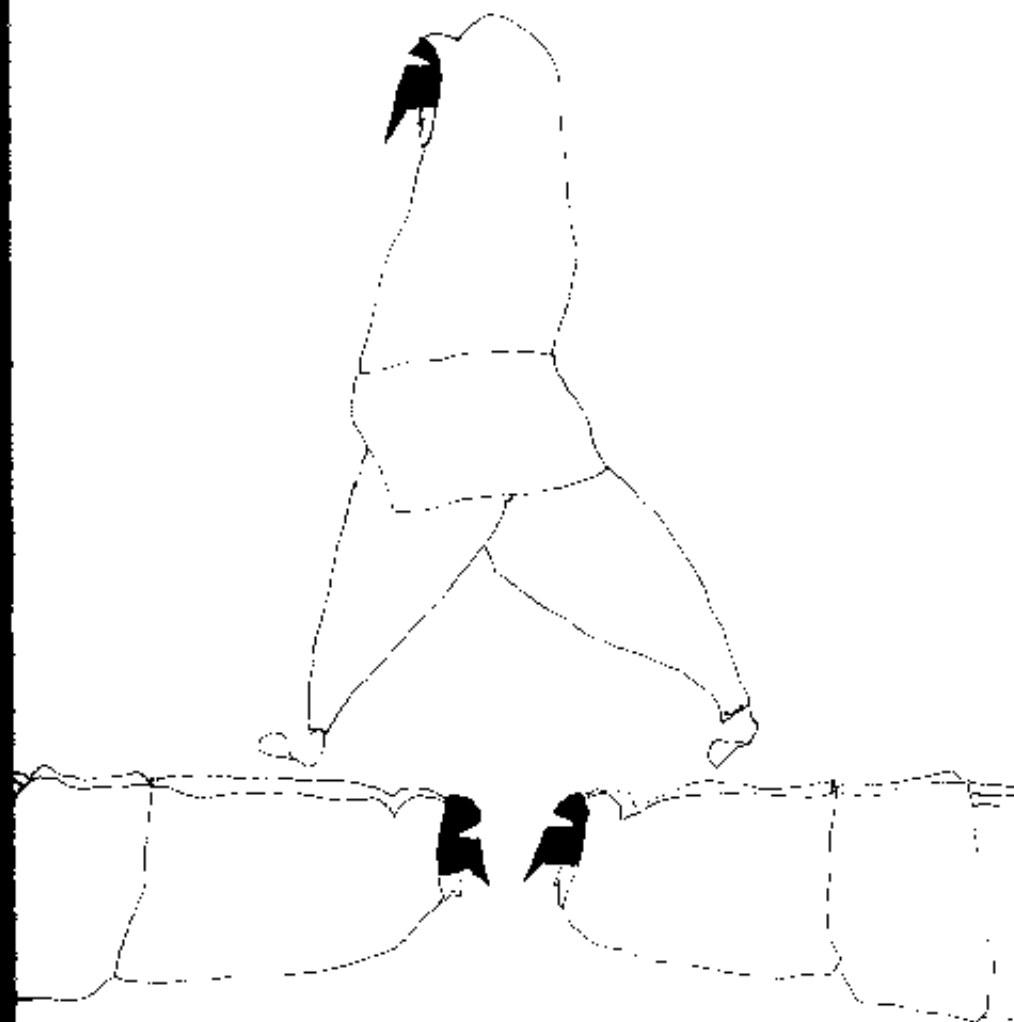
اجماعی علماست که در شب چهارشنبه سوری باید ظرفی
مانند سب و کوزه را پر از آب کرده ، وقت غروب آفتاب از بام به
کوچه اندازند که رفع بلا می کند. کلثوم نه گفته که در وقت بردن ظرف
به عقب نگاه نکنند که بلا برمی گردد. و بعد قدری آتش روی آن ریزند
و بعد مقدار کمی پول سیاه پائین اندازند و آن پول باید باشد نافعیر
بردارد. و باجی با سمن گفته که در روز عید با با شجاع الدین ، چنگال*

* یا چنگالی ، نان گرمی که با روغن و شکر پختنی دو یکدیگر مالیده باشند.

کلثوم نه ۱۲۳



خوردن ثواب عظیم دارد، و اگر روز سه شنبه یا چهارشنبه یا جمعه
 اول ماه واقع شود، هر که در آن ماه بمیرد باید يك ننگه کفش
 خودش را با او در قبر گذارند که در آن ماه کسی از اقوامش بمیرد.
 دیگر از ضروریات که از جهت زود بر آمدن مطلب است، دوازده
 فتیله را در بیست و هفتم ماه رمضان باید روشن نمایند. خاله جان آقا
 گفته که اگر خروسی در غیر وقت بخواند باید او را کشت زیرا
 که اگر او را نکشند صاحبش می میرد و این قول خالی از قوه نیست.
 واجماعی علماست و واجب است زنان را که در کوچه ها



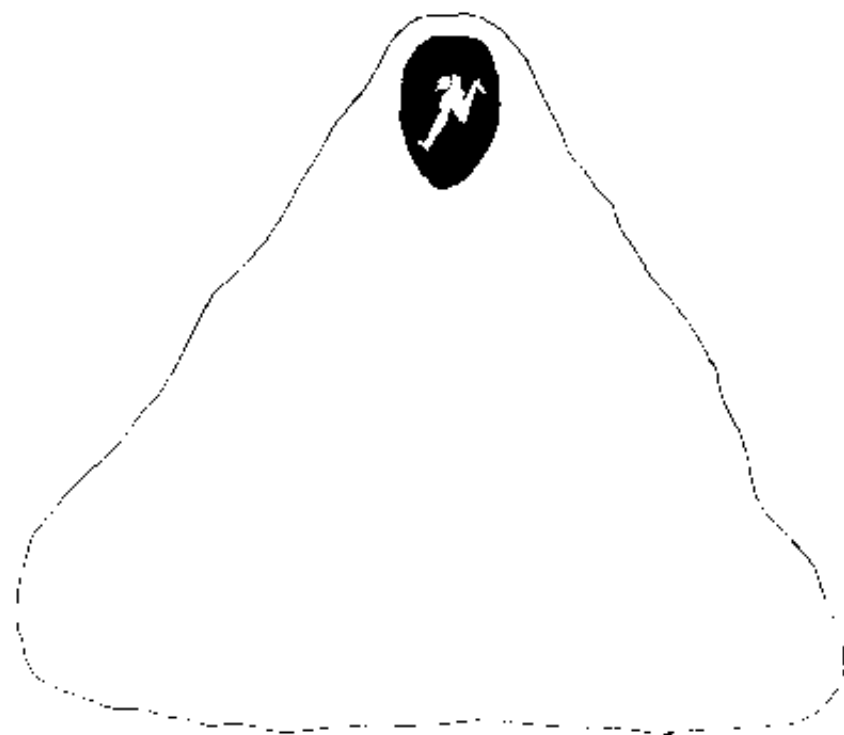
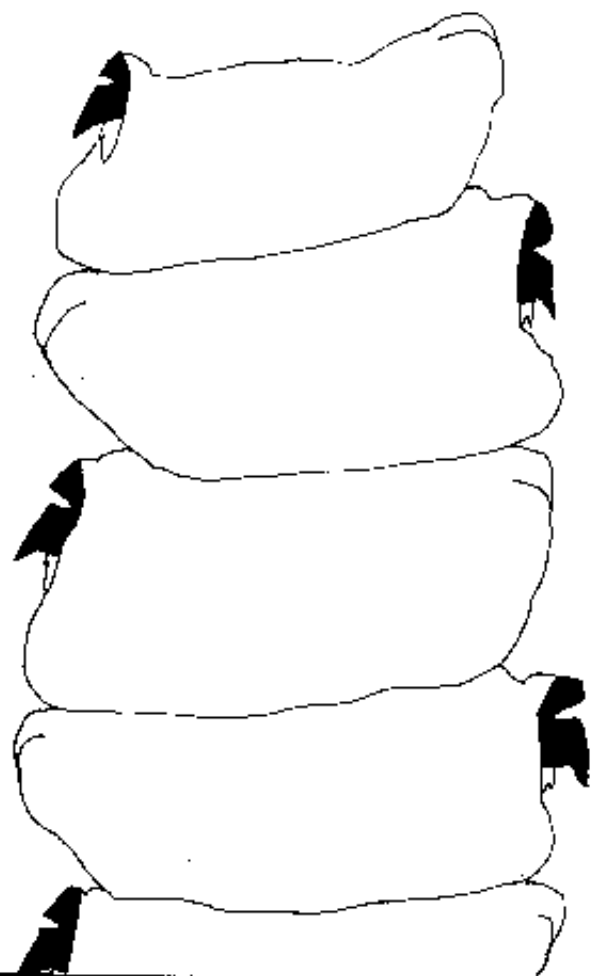


وبازارها هر جا که تعزیه باشد بروند بلکه گفته اند وای به حال زنی که تعزیه تاپک فرسخی باشد و او نرود. و اگر زن حامله در تعزیه و یا روضه وضع حملش شود قدم آن فرزند مبارک است و نام او را رمضان باید گذاشت. دده بزم آرا گفته هر گاه زنی بخواهد فسال بگیرد، در شب چهارشنبه بر سر راه بنشیند کلید دودندانه را بر زمین گذارد و هر مطلب که خواهد نیت کند به حرف کسی که از آن جا عبور می نماید، و نتیجه را از حرف او معلوم کند.

و اگر مهمان آید، در همان ساعت که وارد می شود، آرد برنج

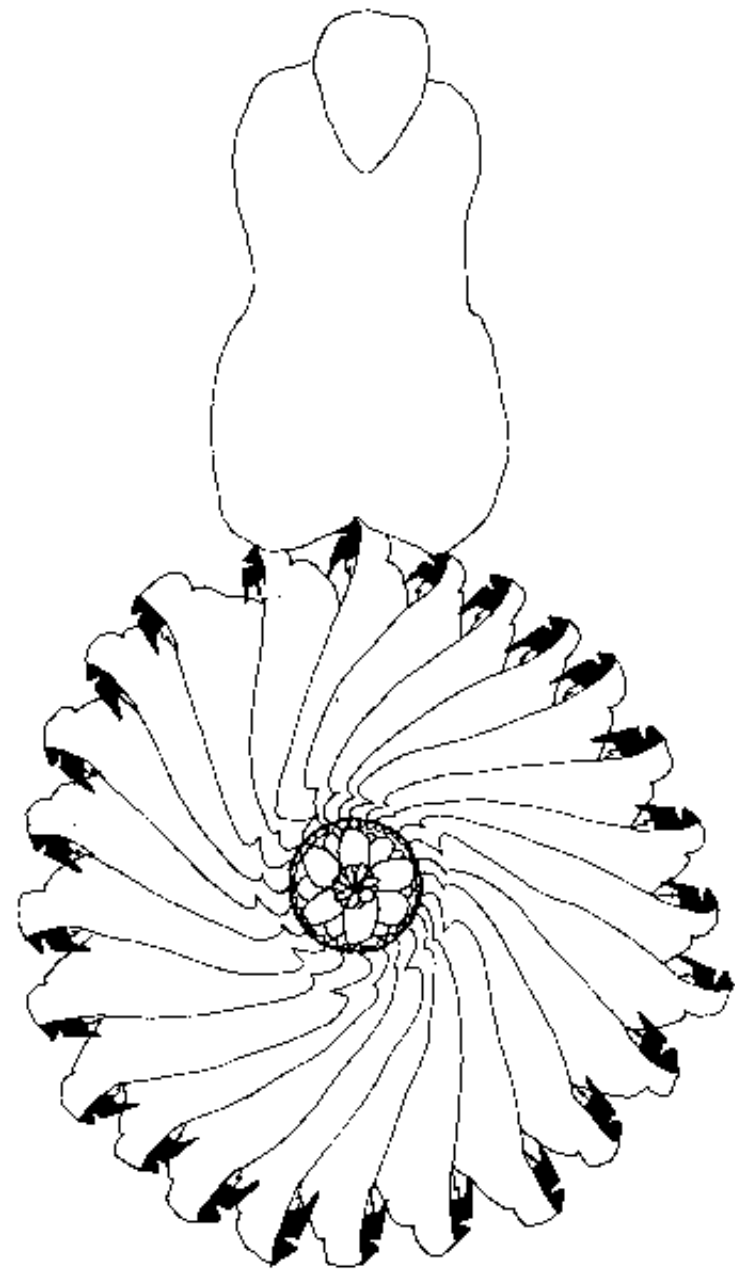
حلو کند و به مهمان بدهد؛ و بی بی شاه زینب گفته که بر پشت بام بر آید
و فریاد کند که مهمان عزیز آمده چه خوردش بدهم؟ هر چه گویند
بدهد که بسیار مجرب است. چنان که میان زنان مشهور است که
کسی فریاد زد که کیر خر، آن را به بیمار داد در حال صحت یافت.
و دیگر جاروب کردن خانه؛ تا مهمان در خانه است جاروب
کردن حرام است، و در شب و روز سه شنبه و چهارشنبه هم جاروب
کردن فعل حرام است. و کلثوم ننه گفته که باید سه روز از ایام هفته
جاروب نکند که در آن سال مورچه به اطاق و خانه می افتد.

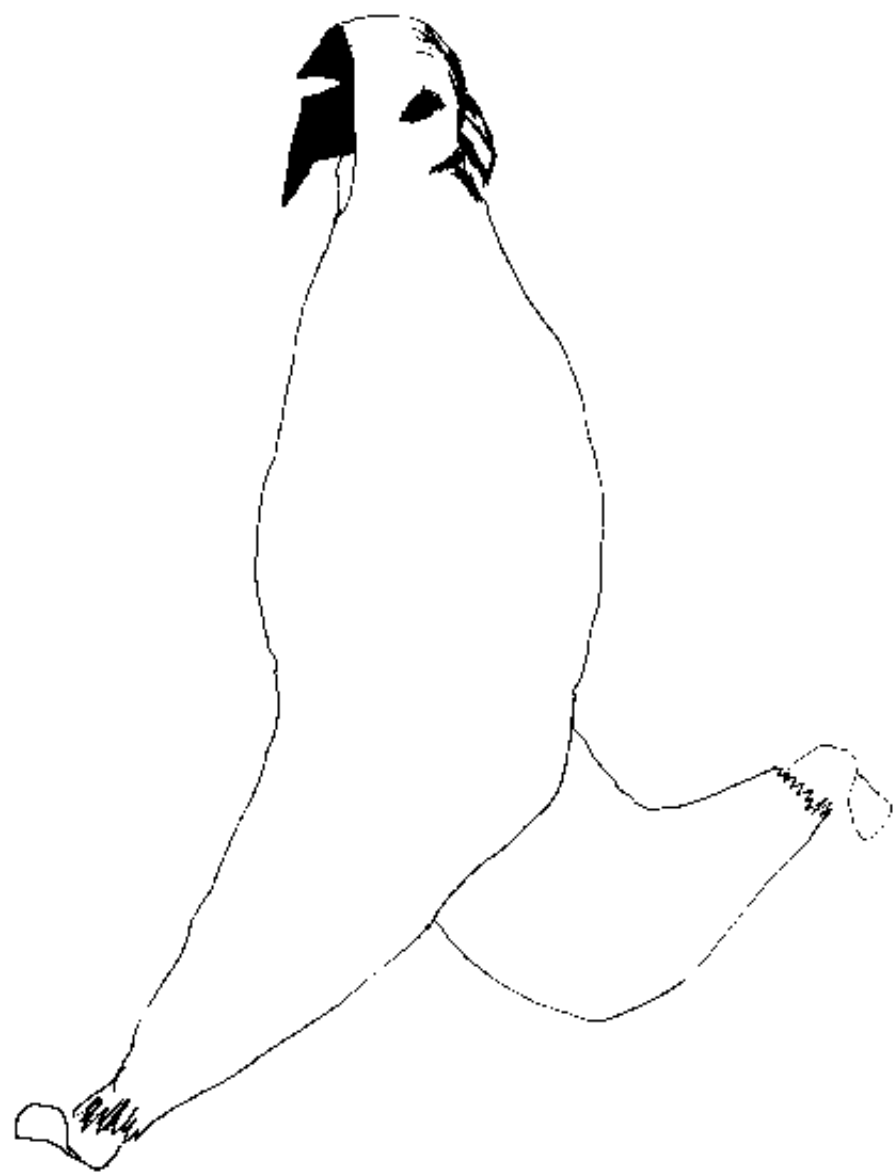


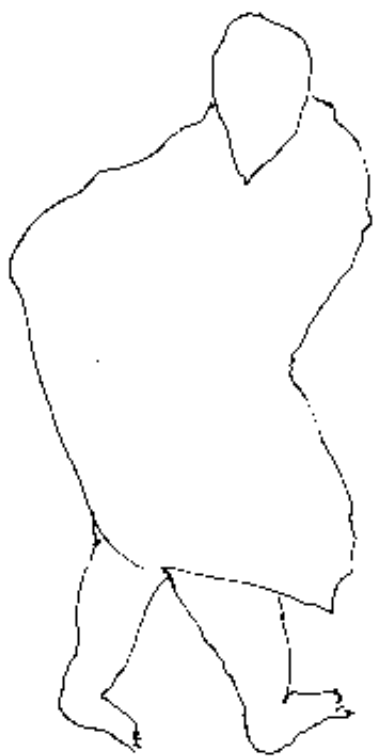


باجی یاسمن گفته که بر هر زنی واجب است که هفته ای یک مرتبه
 و اگر ممکن نشود ماهی یک مرتبه و اگر باز هم استطاعت نداشته باشد
 سالی یک مرتبه سمنو بیزد و اگر کسی ترك کند، مرتد* و اگر العیاذ بالله
 کسی در این امر عقیده سستی داشته باشد در حکم کفر و تأملی نیست
 و وارد شده: اترجو رحمة الله امرأة تاركة الطبخ السمنو و كان لها
 استطاعة طبخه، فلا فلاح لها في الدارين الى يوم القيمة؛ و نیز دیگر
 احادیث در این باب بسیار دیده شده اما به همین مختصرا اکتفا شد.
 باجی یاسمن و خاله جان آقا گفته اند، سایرین هم اختلاف
 ندارند که اگر زنی فندق سمنورا با خود دارد، ایمن شود از جمیع
 بلاها. و آنچه چك را باید به دست بشکنند؛ برخلاف تخم خریزه که

* آن که از دین حقیقی مصر خود برگشته باشد.







باید به دندان بشکند. و در وقت تخمه خوردن باید تعارف یکدیگر کنند و اگر تخمه را با نخود خام بکوبند و بخورند ثواب عظیم دارد و مغز گردو را با مویز بخورد. و همچنین آتش را با قاشق و پلورا با پنجه و هندوانه و خربزه را با دندان و ترب را با نمک و عسل را با روغن و سیر را با ماست و یخنی* را با ترشی و کشک را با نمنا و زردک را پخته بخورد.

نمک

* گوشت پخته شده گرم و سرد، نمک خوراکی شبیه آبگوشت و آن را از گوشت‌های چرب سازند. قدیم در تهران پختن و خوردن یخنی رواج داشت و در سرگردان دکان‌های یخنی‌پزی دیده میشد.